

شکرگزاری
ستایش
و
پرستش

به قلم: درك پرينس
مترجم: پريسا دادرس

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اوّل شکرگزاری

فصل دوّم ستایش

فصل سوّم پرستش

1
10
19

« به نام خداوند عزیز ما »

مقدمه

برداشت عده زیادی از مردم این است که دعا فقط درخواست کردن از خداست. درست مثل آنکه با لیست خرید خود به حضور خدا بروند! این برداشت، دیدگاهی بسیار محدود و نامناسب از موضوع دعا است. دعا تنها يك آلت موسیقی نیست، بلکه ارکستری کامل همراه با آلات مختلف موسیقی است. ما در این کتاب به سه نوع از این آلات خواهیم پرداخت که عبارتند از: شکرگزاری، ستایش و پرستش.

هر سه این موارد بخشهای ضروری دعا محسوب می شوند. اگر عادت کرده اید که بدون شکرگزاری و ستایش و تنها با لیست خرید خود به حضور خدا بروید، متأسفانه باید بگویم که دفعات بسیاری بدون آنکه چیزهای مورد نیاز خود را بدست آورید، از این خرید باز خواهید گشت. باید توجه داشته باشید که خدا برای تقرب جستن شما شروط خاصی قرار داده است. اولین و مهمترین آنها اینکه، بدون شکرگزاری و ستایش خدا نمیتوان به او تقرب جست. چند سال پیش با شخصی صحبت می کردم که برایم بسیار محترم است و نام وی در این کشور مشهور می باشد. تقریباً به اندازه سالهای عمر من از ایمان مسیحی وی می گذرد، بسیار بیشتر از تعداد سالهایی که من به مسیح ایمان آورده ام. او سخن مرا که می گفتم ما بدون شکرگزاری و ستایش نمی توانیم به خدا تقرب جوئیم، شنید. با تعجب به من گفت: « در تمام این سالها که به مسیح ایمان آورده ام، هرگز قبلاً چنین چیزی نشنیده بودم. » این اصل دعای او را دگرگون کرد. به این ترتیب، ما با يك اصل حیاتی و مهم جهت داشتن دعایی مثمر ثمر و موفق سر و کار داریم.

اجازه دهید در همین ابتدا راه ساده ای جهت تمایز این سه عملکرد یعنی شکرگزاری، ستایش و پرستش پیشنهاد کنم. هر يك از این سه عملکرد راهی است برای تقرب به خدا و برقراری ارتباط با او. همچنین هر يك از آنها ما را با بعد متفاوتی از شخصیت خدا مرتبط می سازد. ما با شکرگزاری خود نیکویی خدا را اعتراف می کنیم. با ستایش، عظمت خدا را و با پرستش، قدوسیت او را بیان می کنیم. به این ترتیب، شکرگزاری ما را به نیکویی خدا مرتبط می سازد. ستایش ما را به عظمت او متصل می کند و پرستش که والاترین عملکرد روح انسان است، ما را به قدوسیت خدا مرتبط می سازد.

1

« فصل 1 »

شکرگزاری

عبرانیان 28:12 شروع خوبی جهت بررسی اولین مورد از این عملکرد یعنی شکرگزاری است که می گوید: « پس چون ملکوتی را که نمی توان جنبانید، شکر به جا آوریم تا به خشوع و تقوا خدا را عبادت پسندیده نماییم. »

بین این ترجمه و ترجمه جدید بین المللی تفاوت قابل ملاحظه ای دیده می شود: ترجمه تحت اللفظی می گوید: « فیض بیابیم ». ترجمه NIV می گوید: « سپاس گویی ». اما هر يك از این دو ترجمه، صحیح می باشند چرا که در زبان یونانی شکر بجا آوردن که واژه کلیدی آن چاریس¹ است یعنی که بگوییم « متشکرم ». (جالب اینکه، واژه یونانی عبارت «متشکرم» یوکاریستو² است که با واژه چاریس به معنی فیض ارتباط مستقیم دارد.) بنابراین، بین فیض و شکرگزاری ارتباط مستقیمی وجود دارد. فرد ناسپاس از فیض خدا به دور است. شما نمی توانید در عین ناسپاسی در فیض خدا به سر ببرید.

این ارتباط در سه زبان پیشرفته دیگر نیز مشاهده می شود. در زبان فرانسه، عبارت grace a Dieu به معنی شکرگزاری از خداست. لغت grace درست مثل معادل انگلیسی آن هجی می شود. در زبان ایتالیایی واژه ای که برای عبارت «متشکرم» به کار می رود، grazie است که بار دیگر با لغت فیض مرتبط است و در زبان اسپانیایی لغت گراسیاس³ را داریم. پس می بینید که این سه زبان رومی (که از لاتین مشتق شده اند) همگی ارتباط مستقیم بین فیض و شکرگزاری را در خود دارند.

نکته بسیار مهم اینجا است که: وقتی شکرگزار نیستیم خارج از فیض خدا به سر می بریم. ما نمی توانیم بدون شکرگزاری از فیض خدا بهره مند شویم. همچنین نمی توانیم شکرگزاری را از فیض خدا جدا کنیم، چه بگوییم « شکر به جا آوریم » یا « فیض بیابیم »، در هر دو حالت واقعاً منظورمان يك چیز است.

2

در اینجا 4 مطلب را در مورد شکرگزاری ذکر می کنم که در واقع شرایط لازم برای انجام این کار هستند. و از 4 رساله پولس استخراج شده اند. با کولسیان 3: 15 شروع می کنم:

« و سلامتی خدا در دلهای شما مسلط باشد که به آن هم در يك بدن خوانده شده اید و شاکر باشید. » این امر نه يك پیشنهاد، بلکه يك دستور است که می گوید: شاکر باشید. پولس رسول در آیات 16 و 17 چنین ادامه می دهد:

« کلام مسیح در شما به دولتمندی و به کمال حکمت ساکن بشود و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی و با فیض در دلهای خود خدا را بسرانید. و آنچه کنید در قول و فعل همه را به نام عیسی خداوند بکنید و خدای پدر را به وسیله او شکر کنید. »

در هر کاری که انجام می دهیم باید دو اصل هادی ما باشد که عبارتند از: آن را « به نام عیسی خداوند » انجام دهیم و « خدا را به وسیله او شکر کنیم ». این امر مرز جالبی را مشخص می کند! گاهی اوقات جوانان از من می پرسند که: « آیا درست است که من این

¹ Charis –

² eucharisto –

³ gracias –

کار یا آن کار را انجام دهم؟» پاسخ من این است که : «اگر می توانی این کار را به نام عیسی خداوند انجام دهی و خدا را به وسیله او شکر بگویی، هیچ اشکالی ندارد. ولی اگر نمی توانی چنین کنی، نباید این کار را انجام دهی.» این مسئله محدوده کارهایی را که مجاز به انجام آنها هستیم، مشخص می کند.

بنابراین، شکر گزاری نه يك انتخاب بلکه يك دستور است.

دوم اینکه، پولس رسول در افسسیان 18:5 درباره معنی پری مداوم از روح القدس صحبت می کند:

«و مست شراب مشوید که در آن فجور است بلکه از روح پر شوید.»

آیا عجیب نیست که کلیسا تا این اندازه به نکات منفی توجه نموده و از نکات مثبت موجود غفلت کرده است؟ همه می دانند که نباید مست شد اما چند نفر می دانند که باید از روح پر شد؟

و نتیجه پر شدن از روح چیست؟ آیه 19 و 20 به ما چنین می گوید:

«... و با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دلهای خود به خداوند بسرانید و ترنم نمایید و پیوسته به جهت هر چیز خدا و پدر را به نام خداوند ما عیسی مسیح شکر کنید.»

وقتی شما از روح القدس پر باشید، دائماً خدا را شکر خواهید گفت. در واقع می توانید میزان پر شدن خودتان از روح القدس را تا حدودی با همین معیار بسنجید که چه مقدار از وقت خود را

3

صرف شکرگزاری از خداوند می کنید. زمانی که دیگر شکرگزاری نمی کنید، این خود نشان دهنده آن است که دارید پری روح القدس را از دست می دهید.

مطلب یا شرط سوّم پولس درباره شکرگزار بودن را می توان در آیات 15-18 باب 5 رساله اوّل تسالونیکیان یافت که با وجود اینکه از کوتاهترین آیات عهد جدید به شمار می روند، اما پر از حقایقی شگرف هستند:

«پیوسته شادمان باشید...»

گفتنش آسان است، اینطور نیست؟ ولی انجام این کار فیض بیشتری می طلبد.

«همیشه دعا کنید،»

هرگز از دعا کردن دست بر ندارید. مجبور نیستید تمام وقت دعا کنید اما از سوی دیگر هیچ وقت نگویید: «حالا دعایم تمام شد». فکر می کنم درباره اسمیت ویگلزورت¹ بود که می گفتند او هیچ وقت بیشتر از نیم ساعت دعا نمی کرد، اما هرگز حتی نیم ساعت از وقت خود را بدون دعا سپری نکرد. این مثال تصویر خوبی از مفهوم همیشه دعا کردن به ما می دهد.

آخرین مورد از شرط لازم پر مغز پولس در اول تسالونیکیان باب 5 عبارتست از:

«در هر امری شاکر باشید که این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسی»²

اراده خدا در مسیح عیسی چیست؟ که در هر امری شاکر باشیم. بنابراین اگر همانطور که قبلاً دیدیم، هنوز شکرگزاری نمی کنید، در حقیقت خارج از اراده خدا به سر می برید.

من با خادمین مسیحی زیادی صحبت کرده ام که در جای درستی قرار داشتند و کار درستی را هم انجام می دادند ولی هنوز احساس می کردند در اراده خدا قدم بر نمی داشتند. علت این احساس موقعیت یا کارشان نبود، بلکه این بود که آنها دیگر دائماً شکرگزاری نمی کردند. پس به خاطر داشته باشید، درست لحظه ای که دست از شکرگزاری برمی دارید، از اراده خدا خارج می شوید. آنهم ضرورتاً نه به دلیل کاری که دارید انجام می دهید، بلکه به این علت که شما به نیکویی خدا درست پاسخ نمی دهید.

چهارمین اصل پولس رسول در خصوص شکرگزاری را در فیلیپیان 4: 6 می یابیم.

«برای هیچ چیز اندیشه نکنید بلکه در هر چیز با صلوات و دعا با شکرگزاری

مسئولات خود را به خدا عرض کنید»

هرگز درخواست خود را بدون شکرگزاری به حضور خدا نبرید.

4

سالها پیش یادداشتهای روزانه جان ولسلی¹ شدیداً مرا تحت تأثیر قرار داد. همیشه برداشت او را از این آیه به یاد می آورم. ولسلی از عبارت «در هر چیز با صلوات و دعا» سه کلمه را جدا کرد که عبارت بودند از: «هر چیز با دعا» و گفت: «من معتقدم که خدا به وسیله دعا هرکاری انجام می دهد و بدون آن هیچ کاری نمی کند. به نظر من این امر حقیقتی اساسی است.»

پولس علاوه بر این اضافه می کند: «هر درخواستی که دارید آن را با شکرگزاری به حضور خدا بیاورید.»

حال که چهار نصیحت مجزای پولس رسول در خصوص شکرگزاری را از مد نظر گذراندیم، بیایید به دو عملکرد مهم آن توجه کنیم.

نخست اینکه، شکرگزاری دسترسی به حضور خدا را امکان پذیر می سازد. در مزمو 100 که مزمو معروف بسیار زیبایی است، این امر را به بهترین صورت مشاهده می کنیم. نویسنده این مزامیر در حالی که راجع به داخل شدن به خانه خدا سخن می گوید در آیه چهارم چنین می نویسد:

«به دروازه های او با حمد بیایید و به صحنهای او با تسبیح، او را حمد گویند و نام او را متبارک خوانید.»

توجه داشته باشید که در اینجا دو مرحله برای ورود به حضور خدا وجود دارد. نخست از طریق دروازه ها و دوّم، از طریق صحنهای او. دروازه ها به شما اجازه ورود به صحنها را می دهند و صحنها شما را به مسکن حقیقی خدا وارد می کنند. اما شما نمی توانید جز از طریق مسیر توصیه شده، به آنجا وارد شوید. یعنی «به دروازه های او با حمد بیایید و به صحنهای او با تسبیح.» من معتقدم که شخص نمی تواند به حضور خدا نزدیک شود مگر اینکه از طریق این مسیر توصیه شده یعنی با شکرگزاری و تسبیح آمده باشد.

بعضی از شما ممکن است با وجود دعاهایی که می کنید، گهگاه این احساس به شما دست دهد که از خدا بسیار دور هستید. به احتمال بسیار زیاد علت احساس شما این است که از

¹ - Smith Wigglesworth

² - اول تسالونیکیان 5: 18

این مطلب در ترجمه انگلیسی به وضوح مشخص نیست که با وجود شفا یافتن هر ده نفر فقط آن يك نفری که برای تشکر از عیسی برگشت، نجات پیدا کرد. هر يك از آنها شفای جسمانی داشتند اما فقط يك نفری که برگشت تا تشکر کند، شفای روحانی نجات را دریافت نمود. او تنها کسی بود که به عیسی نزدیک شد. همانطور که می بینید شکرگزاری امکان نزدیک شدن بخصوصی را به حضور خدا فراهم می کند.

دوّمین عملکرد حیاتی مهم شکرگزاری این است که شکرگزاری قدرت فوق العاده و معجزه آسای خدا را آزاد می کند. برای توضیح این مطلب دو مثال قابل توجه از عهد جدید می آورم. مثال اول، غذا دادن به 5000 نفر مطابق باب 6 انجیل یوحنا است. در برابر عیسی 5000 مرد (به غیر از زنان و کودکان) که همه گرسنه بودند، قرار داشتند. تنها منبع غذایی که او در دست داشت، ناهار يك پسر بچه بود که شامل پنج قرص نان و دو ماهی می شد. اما او گفت: «مردم را بنشانید، ما به آنها غذا می دهیم» و این چیزی است که در آیات 11 و 12 باب 6 انجیل یوحنا نوشته شده:

«عیسی نانها را گرفته و شکر نموده به شاگردان داد و شاگردان به نشستگان دادند و همچنین از دو ماهی نیز به قدری که خواستند و چون سیر گشتند به شاگردان خود گفت پاره های باقی مانده را جمع کنید تا چیزی ضایع نشود.»

قابل توجه است که عیسی در این موقعیت دعایی نکرد. او از خدا خواست تا کاری انجام دهد. تنها کاری که انجام داد این بود که از خدا به خاطر آنچه در دست داشت، تشکر کرد. یوحنا حتماً تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته بود چرا که در آیه 23 با توصیف آنچه اتفاق افتاد، چنین نوشت:

«... لیکن زورقهای دیگر از طبریه آمد نزدیک به آنجایی که نان خورده بودند بعد از آنکه خداوند شکر گفته بود.»

ظاهراً تأثیر این واقعه بر یوحنا از آن جهت بود که معجزه نه در اثر دعایی طولانی بلکه شکرگزاری ساده ای که عیسی خداوند کرد، رخ داد! من واقعاً معتقدم که ما خیلی وقتها ظهور قدرت خدا را از دست می دهیم چون با شکرگزاری خود آن را آزاد نمی کنیم. کمی جلوتر در باب 11 انجیل یوحنا دوّمین مثال این اصل را می بینیم. عیسی در حالیکه در برابر قبر ایلعازر که چهار روز قبل دفن شده بود، ایستاد، دعای طولانی ای نکرد. بلکه فقط گفت:

7

«ای پدر تو را شکر می کنم که سخن مرا شنیدی¹». این سخن تمام چیزی بود که او بر زبان آورد. سپس او ایلعازر را مخاطب ساخت و ایلعازر زنده از قبر بیرون آمد! باز هم می گویم تا وقتی که ما به شکرگزاری از خدا آنطور که در اینجا توصیف شد عادت نکنیم، در بسیاری از موارد ظهور قدرت فوق العاده او را از دست خواهیم داد. چنین قدرتی ضرورتاً در اثر دعاها طولانی به ظهور نمی رسد. در واقع بیشتر دعاها پر قدرت در کتاب مقدس، دعاها بسیار کوتاهی هستند. (دعای موسی برای مریم را به یاد می

طریق مسیر توصیه شده فوق به خدا تقرب نمی جوید. شما می توانید بیرون صحنهای خدا بایستید و فریاد بزنید و او صدایتان را می شنود و بر شما رحم می کند. اما تا به حضور پدر با شکرگزاری و تسبیح وارد نشوید، از نزدیک بودن به او لذت نخواهید برد.

بعضی از مردم ممکن است شکایت کنند که: «من چیزی ندارم که به خاطر آن از خدا تشکر کنم. اوضاع بر وفق مراد نیست. زندگی من در مرحله ای بحرانی قرار دارد. پس چرا باید از او

5

تشکر کنم؟» خوب، نویسنده مزامیر در مزمو 100: 5 سه دلیل ذکر می کند که به خاطر آنها باید خدا را شکر کنیم که عبارتند از؛

«زیرا که خداوند نیکو است و رحمت او ابدی و امانت وی تا ابدالآباد.»

ما هر احساسی که داشته باشیم و شرایط زندگی ما هر طور که باشد، این سه اصل هرگز تغییر نمی کند که: خداوند همیشه نیکوست، رحمت او ابدی است و امانت وی تا ابدالآباد است. بنابراین ما سه دلیل همیشگی و لایتغیر برای تشکر از خدا داریم. لازم نیست بر احساسات یا موقعیتی که دارید متمرکز شوید. بلکه بر این ویژگی های ابدی و تغییر ناپذیر طبیعت خدا و عملکرد وی در قبال خود تمرکز کنید. سپس خواهید دید که چگونه او را بی وقفه شکر می کنید.

اجازه دهید در خصوص دستیابی ویژه به حضور خدا که توسط شکرگزاری امکانپذیر می شود يك مثال از عهد جدید ذکر کنم. آیا 10 جذامی باب 17 انجیل لوقا را که اجازه نداشتند به کسی نزدیک شوند، به یاد می آورید؟ آنها مجبور بودند مدام فریاد بزنند: «ناپاك، ناپاك» تا به این وسیله به مردم هشدار دهند که سر راهشان قرار نگیرند چرا که بیماری آنها بسیار مسری بود.

انجیل لوقا به ما می گوید که آنها در حالیکه دور ایستاده بودند فریاد کنان گفتند: «ای عیسی خداوند بر ما ترحم فرما!» و عیسی جواب بسیار ساده ای به آنها داد که: «بروید و خود را به کاهن بنمایید.»

حال، شخصی که از جذام شفا یافته می بایست خود را به کاهن نشان می داد تا از وی گواهی مبنی بر اینکه او دیگر بیماری مسری ندارد، دریافت می کرد. بنابراین، عیسی در واقع با گفتن اینکه بروند و خود را به کاهن نشان دهند، داشت می فرمود که «وقتی به آنجا رسیدید، کاهن گواهی خواهد داد که شما دیگر جذام ندارید.» می بینید، ایمان یعنی این. گاهی اوقات ما در حین رفتن شفا می یابیم. اگر فقط بی حرکت بایستیم و بگوییم هیچ اتفاقی نیفتاده، هیچ اتفاقی نمی افتد.

پس، هر ده نفر آن جذامیان شفا یافتند اما فقط یکی از آنان که اتفاقاً سامری بود و نه یهودی برگشت تا از عیسی تشکر کند. عیسی گفت: «آیا ده نفر طاهر نشدند، پس آن نه کجا شدند؟ آیا هیچ کس یافت نمیشود که برگشته خدا را تمجید کند جز این غریب؟»¹ سپس رو به آن مرد گفت (مطابق ترجمه یونانی متن): «برخاسته (به سلامتی) برو که ایمانت تو را نجات داده است.»²

¹ – انجیل لوقا 17: 18-17

² – انجیل لوقا 17: 19

آورم که وقتی او به دلیل انتقاد کردن از برادرش جذام گرفت، تمام دعایی که موسی کرد، این بود: «خداوند، او را شفا بده.» پس موضوع کاملاً بر عکس است. اگر در بیان درخواستهایمان شکرگزاری بیشتری بکار ببریم، درخواستهای ما کوتاهتر و در واقع مؤثرتر می شوند.

پیش از آنکه میحث شکرگزاری را خاتمه دهیم لازمست نگاهی هم به روی دیگر این حقیقت بیندازیم که همان شکرگزار نبودن است. کتاب مقدس در مورد شکرگزار نبودن مطالب بسیاری دارد، اما در اینجا فقط سه مطلب مهم را در این رابطه ذکر می کنم.

مطلب اول در رساله به رومیان باب 1 دیده میشود. جایی که پولس تنزل نسل بشر را از مرحله شناخت طبیعی خدا به شرارتی هولناک بسیار استادانه شرح می دهد. باب اول رساله به رومیان با یکی از وحشتناک ترین فهرست های انحطاط، بدبختی و شرارت انسانی خاتمه می یابد.

شاید از خود پرسیم: چگونه انسانیت تا به آن سطح تنزل می کند؟ پاسخ این سؤال در آیه 21 این باب داده شده است.

«... زیرا هر چند خدا را شناختند ولی او را چون خدا تمجید و شکر نکردند...»
بنابر این پولس دو قدم اولیه ای که بشر را به گودال تاریک توصیف شده در انتهای این باب سوق می دهند، چنین بیان می کند: اول اینکه مردم خدا را چون خدا جلال ندادند و دوم، آنها شکرگزار نبودند.

هر بار که شخص از شکرگزاری کردن دست می کشد، در واقع قدم در يك سرازیری لغزنده می گذارد. اجازه دهید به شما هشدار دهم که حتی سعی نکنید در این مسیر قدمی بر دارید چون برگشتن از آن و دوباره رو به بالا حرکت کردن کار آسانی نیست!

دومین مطلب مهم کتاب مقدسی راجع به ناسپاسی در رساله دوم تیموتاؤس باب 3 دیده می شود که فهرست ترسناک دیگری را در خود دارد. مقایسه این فهرست باب 1 رساله به رومیان که من آن را نتیجه منطقی ناسپاسی می نامم، کار جالبی است. باب 3 رساله دوم تیموتاؤس

8

نتیجه تاریخی ناسپاسی است. وضعیت انسانیت در ایام آخر و در پایان عصر حاضر به چه صورت خواهد بود؟ پولس رسول این وضعیت را با شروع باب برای ما به تصویر می کشد، او در آیه 1 میگوید:

«اما این را بدان که در ایام آخر زمانهای سخت پدید خواهد آمد.»

چه چیزی موجب پدید آمدن زمانهای سخت می گردد؟ انحطاط شخصیت انسان. آیه 2 چنین می گوید:

«زیرا که مردمان خودپرست خواهند بود و طمّاع و لافزن و متکبر و بدگو و نامطیع والدین و ناسپاس و ناپاک...»
جایگاه شخص ناسپاس در این فهرست کجاست؟ درست در کنار شخص ناپاک. شخص ناسپاس فرد پاکی نیست.

شما نمی توانید هم مقدس و هم ناسپاس باشید و شکرگزار بودن قوم اصلی به سوی پاکی محسوب می شود.

رفتار مخالف شکرگزاری چه نوع رفتاری است؟ به نظر من، بهترین واژه کتاب مقدسی که می توان به کار برد، غرغر کردن است که در زبان امروزی معادل «شکایت کردن» می باشد. اجازه دهید این را بگویم که هر بار که ما سخنی می گوئیم، سخن ما مثبت است و یا منفی. کلمات خنثی زیادی وجود ندارند. اگر سخن ما حاکی از قدردانی نیست، پس به احتمال قوی به غرغر و شکایت خواهد انجامید. سعی نکنید چنین شخصی باشید!

در مورد سوم و آخر، اجازه دهید به آنچه که پولس در اول قرننیا 10 : 7-10 راجع به ناسپاسی می گوید، نگاهی بیندازیم. پولس در این آیات به مسیحیان هشدار می دهد که همان اشتباهاتی را که بنی اسرائیل بعد از رهایی از مصر مرتکب شدند، تکرار نکنند:

«و نه بت پرست شوید مثل بعضی از ایشان ... و نه زنا کنیم ... و نه مسیح را تجربه کنیم ... و نه همههم کنید (مطابق ترجمه کینگ جیمز¹ شکایت کردن) چنانکه بعضی از ایشان کردند و هلاک کننده ایشان را هلاک کرد.»

يك هشدار در مورد غرغر کردن در اعداد باب 21 یافت می شود. قوم اسرائیل به دلیل سفر طولانی و خسته کننده خود ناامید و بی صبر شدند و شروع کردند به غرغر کردن نسبت به خدا و موسی. خدا در پاسخ به غرغره های آنها مارهای آتشین به میان آنها فرستاد و عده ای مردند.

9

به هوش باشید! غرغر کردن می تواند موجب گردد که مارهای آتشین شما را بگزند. نیش آنها ممکن است ظاهری نباشد اما می تواند هر نوع سم را به درون روح شما تزریق کند. بنابر این ما با دو احتمال مثبت مواجه هستیم: شکرگزاری که راه را به سوی حضور خدا و معجزه او- ظهور قدرت وی- در زندگی ما باز می کند یا غرغر کردن. پس تصمیم خود را بگیرید و عزم خود را بر این جزم کنید که :

«و می خواهم شکرگزار باشم. همچنان به یافتن دلایل کتاب مقدسی مبنی بر شکرگزار بودن ادامه خواهم داد و می خواهم تمرین کنم تا همیشه اوقات از خداوند تشکر کنم.»

¹ - ترجمه انگلیسی کتاب مقدس که به دستور شاه جیمز اول، پادشاه انگلستان، در سال 1611 میلادی صورت گرفت و ترجمه استاندارد محسوب می شود.

هم شکرگزاری و هم ستایش تأثیر بنا کننده مهمی بر شخص ایماندار می گذارند. وقتی با تقاضاهایی به حضور خدا می آئیم که مشکل به نظر می رسند و هنگامی که از او برای کارهایی که قبلاً انجام داده تشکر می کنیم، ایمان داشتن به خدا برای کاری که می خواهیم بعد از این انجام دهد، آسانتر می شود. از طرف دیگر اگر با ستایش و شکرگزاری به حضور خدا وارد نشویم، ایمان ما فاقد این محرک است.

اجازه دهید یکبار دیگر به آیات 4 و 5 مزبور 100 نگاهی ببندیم:

« به دروازه های او با حمد بیایید و به صحنهای او با تسبیح. او را حمد گوید و نام او را متبارک خوانید.»

تکرار سه علت تغییر ناپذیر برای شکرگزاری و پرستش خدا که عبارتند از:

« زیرا که خداوند نیکوست و رحمت وی ابدی و امانت وی تا ابدالآباد.»

1
1

اصلاً خسته کننده نیست.

اصلاً چرا این سه علت را به عنوان عمل ایمان همین حالا با صدای بلند تکرار نکنیم؟»

زیرا که خداوند نیکوست، رحمت او ابدی و امانت وی تا ابدالآباد است.» حال هر چقدر می خواهید از خدا تشکر کنید. لازمه این درس همین است!

در باب 60 کتاب اشعیا نبی، توصیفی از شهر خدا آمده، شهری که ما حق داریم بوسیله نجات و از طریق خون عیسی مسیح به آن نزدیک شویم. اشعیا 18:60 تصویر زیبایی از این شهر به دستمان میدهد:

« بار دیگر ظلم در زمین تو و خرابی و ویرانی در حدود تو مسموع نخواهد شد.»

ما می توانیم به مکانی وارد شویم که ظلم و ویرانی در آن تنها بازتابهای ضعیفی هستند که از فاصله ای دور می آیند، که در حضور خدا هیچگونه واقعیتهای ندارند. چگونه می توان به این مکان وارد شد؟

« و حصارهای خود را نجات و دروازه های خویش را تسبیح خواهی نامید¹.»

دیواری که حضور خدا را احاطه می کند، نجات است. اما اسم همه دروازه های این شهر یکی است یعنی: ستایش.

به عبارت دیگر، اگر می خواهید به آن طرف دیوارها بروید، دروازه ای که می باید از آن عبور کنید، ستایش است. بدون ستایش، دستیابی به حضور خدا امکان ندارد.

ستایش تنها راه ورود فوری به حضور خداست..

اگر ستایش خدا برای شما کار مشکلی است، سعی کنید قسمتی از وقت خود را به خواندن « مزامیر» که به زبان عبری به معنی « ستایشها» است، اختصاص بدهید. کتاب مزامیر بزرگترین کتابها در کتاب مقدس است و در این کتاب ستایش کردن عنصری اصلی در کل مسأله مکاشفه خدا می باشد. وقتی تنها هستید مزامیر مختلف را بخوانید و

10

« فصل 2 »

ستایش

همانطور که قبلاً گفته شد، سه عملکرد روح انسان یعنی شکرگزاری، ستایش و پرستش ما را قادر می سازند که به سه جنبه متفاوت از طبیعت خدا ارتباط پیدا کنیم. خدا در نتیجه شکرگزاری از او، کارهای خوبی برای ما انجام می دهد و ما بدینوسیله نیکوئی وی را اقرار می کنیم. ما بوسیله ستایش که همان پاسخ صحیح ما به شکوه حیرت برانگیز خداست، عظمت او را اقرار می کنیم و با پرستش، قدوسیت او را اقرار می نماییم.

حال که توجه خود را بر ستایش متمرکز کرده ایم، بهتر است که با مزبور 48 آیه 1 شروع کنیم:

« خداوند بزرگ است و بی نهایت مجید در شهر خدای ما و در کوه مقدس خویش.»

به بیان دیگر، ستایش ما می باید با عظمت خدا متناسب باشد و این یعنی ستایش ما باید بی حد و اندازه باشد. ما هرگز نمی توانیم برای قدرت و حد ستایش میزانی مشخص کنیم. هرچقدر بیشتر خدا را می پرستیم، بیشتر عظمت او را اقرار می کنیم.

قبلاً در مزبور 100 دیدیم که شکرگزاری مرحله اول نزدیک شدن به خدا است. مرحله دوم، ستایش است.

¹ - اشعیا 18:60

بگویند: «خداوند! این دعای من است. این مزمور دعایی بود که روح القدس به نویسنده مزامیر داد و حالا من دارم آن را خطاب به تو می خوانم.» به عقیده من شما بعد از انجام این کار خواهید دید که پس از مدتی، ستایش کردن برایتان طبیعیتر به نظر میرسد و شروع می کنید به پرورش دادن این عادت در خودتان.

12

جهت تشویق شما، هفت حقیقت کتاب مقدسی را در مورد ستایش برایتان ذکر می کنم. البته بیش از 7 حقیقت در این مورد وجود دارد، اما این هفت اصل مهم به بنای ایمان شما کمک خواهند کرد.

ابتدا به مزمور 3:22 که خطاب به خداوند سرانیده شده، توجه کنید: در ترجمه جدید کینگ جیمز این آیه چنین آمده است:

« و اما تو قنّوس هستی. ای که بر تسبیحات اسرائیل نشسته ای.»

واژه عبری که «نشسته ای» ترجمه شده، به معنی «نشستن بر» یا «سکونت داشتن»، نیز می باشد. در واقع وقتی مردم کشور اسرائیل از من و همسر من روت می پرسند که ما در کجا زندگی می کنیم، به زبان عبری جواب می دهیم «ما در اورشلیم نشسته ایم.» که به این ترتیب از واژه استاندارد عبری برای رساندن مفهوم «سکونت داشتن» استفاده می کنیم.

اما خدا بر چه جایگاهی نشسته است؟ بر يك تخت. امروزه سرود معروفی هست که می گوید: «همچنانکه تو را می پرستیم تخت تو را می سازیم. بیا، ای خداوند عیسی و بر مکان خود قرار بگیر.» بنابراین، وقتی که ما خدا را ستایش می کنیم، در واقع تختی برای نشستن او آماده می کنیم.

از این به بعد هر بار که همراه با دیگر ایمانداران شروع به ستایش خدا می کنید، اینطور تصوّر کنید که دارید تختی برای نشستن عیسی آماده می کنید. به این طریق، شما او را به عنوان پادشاه خود اعلام می نمایید.

مزمور 47:106 آشکار می کند که چگونه ستایشی که متعاقب شکرگزاری انجام می شود قوم خدا را به پیروزی کامل می رساند:

«ای یهوه خدای ما، ما را نجات ده و ما را از میان جمیع امّت‌ها جمع کن تا نام قدوس تو را حمد گوئیم و در تسبیح تو فخر نماییم.»

به ترتیب ذکر شده توجه کنید؛ اوّل شکرگزاری، بعد ستایش. وقتی خدا را ستایش می کنیم، پیروز می شویم. در فرهنگ روم باستان، منظور از ظفر، کسب پیروزی نبود بلکه مراسم جشن برای پیروزی ای بود که قبلاً بدست آمده بود. بنابراین وقتی که خدا را می ستاییم، در واقع از او

13

درخواست پیروزی نمی کنیم بلکه داریم به خاطر پیروزی ای که کسب کرده، جشن می گیریم. پولس نیز همین موضوع را در دوم قرنتیان 14:2 بیان می کند.

«لیکن شکر خدا راست که ما را در مسیح دائماً در موکب ظفر خود می برد...»

در مراسم جشن پیروزی روم باستان، ژنرال پیروزمند با ارا به ای که توسط يك اسب سفید رانده می شد، در خیابانهای شهر روم می گشت و همه مردم نیز در حالی که در پیاده روها صف کشیده بودند، او را می ستودند و اسیران او یعنی دشمنانی که مغلوب وی شده بودند، در غل و زنجیر از عقب او حرکت می کردند.

جایگاه ما در این تصویر کجاست؟ مسلماً در غل و زنجیر از عقب عیسی مسیح، این ژنرال پیروزمند حرکت نمی کنیم. ما حتّی کسانی نیستیم که در پیاده رو او را ستایش می کنیم. بلکه ما همراه او در ارا به هستیم و ستایش مسیح قدمی است که به این ارا به می گذاریم.

سومین حقیقت کتاب مقدسی در مورد ستایش را در مزمور 30 : 11-12 می یابیم. اوّلین باری که این حقیقت را تجربه کردم، سال 1975 بود که همسر اوّل را از دست دادم. این تجربه، تلخترین تجربه زندگیم بود. میخوام بگویم که آنچه آیه 11 می گوید عین واقعیت است. این آیه معجزه می کند!

«ماتم مرا به رقص مبدّل ساخته ای. پلاس را از من بیرون کرده و کمر مرا به شادی بسته ای تا جلالم ترا سرود خواند و خاموش نشود. ای یهوه خدای من تو را حمد خواهم گفت تا ابدالابد.»

وقتی خدا پلاس را از تنمان بیرون می کند و ما را از ماتم نجات می بخشد، این کار را برای هدفی انجام می دهد و آن اینکه «جلال ما» برای او سرود بخواند. جلال ما چیست؟ نیازی به فکر کردن نیست. با کنار هم گذاشتن دو آیه دیگر می توانیم پاسخ این سؤال را مستقیماً در خود کتاب مقدس پیدا کنیم. آیه اوّل، مزمور 19:16 است (تأکید بیشتر بر روی قسمت بخصوصی از این آیه توسط خود من صورت گرفته است):

«از این روی دلم شادی می کند و جلالم به وجد می آید. جسد من نیز در اطمینان ساکن خواهد شد.»

باز هم عبارت «جلال» را می بینیم. در ترجمه های مختلف این عبارت به گونه های متفاوتی بیان شده، اما در اعمال 16:2 پطرس رسول، مزمور 9:16 را به الهام روح القدس نقل قول می کند و واژه «جلال» را برای ما اینطور تفسیر می نماید:

«از این سبب دلم شاد گردید و زبانم به وجد آمد...»

14

بنابراین جلال شما چیست؟ زبان شما است. دلیل اصلی که خدا به شما زبان داد، این است که او را ستایش کنید. هر استفاده ای از این عضو که خدا را جلال ندهد، سوء استفاده محسوب می شود. زبان عضو عالی ای در بدن است که به وسیله آن می توانید خدا را ستایش کنید و وقتی از آن برای جلال دادن او استفاده می کنید، زبان «جلال شما» محسوب می گردد.

چهارمین حقیقت کتاب مقدسی در مورد ستایش را می توان در اشعیا 3:61 یافت. یکبار دیگر، این پیغام برای ماتمیان و افسردگان است. در واقع، سالها قبل خداوند از طریق این آیه مرا از روح افسردگی رهایی بخشید.

«تا قرار دهم (تسلی) برای ماتمیان صهیون و به ایشان ببخشم تاجی را به عوض خاکستر و روغن شادمانی به عوض نوحه گری و ردای تسبیح را به جای روح کدورت...»

این دقیقاً همان چیزی بود که خدا مرا از آن آزاد کرد یعنی روح کدورت و سنگینی. پس اگر نمی خواهید افسرده شوید و دوست ندارید شیطان با ایجاد دلشوره ها و افکار شریرانه خود سراغ شما بیاید، ردای تسبیح را بر تن کنید. در این صورت او نمی تواند به شما نزدیک شود!

سالها پیش که شبانی جماعت کوچکی در غرب لندن را به عهده داشتم، دو خواهر روس یهودی نژاد بودند که به ملاقات من و همسر اولم¹ میآمدند. آنها در روسیه با عیسی خداوند ملاقات کرده بودند و بعداً به گونه ای معجزه وار از روسیه خارج شدند. پس از فرار از کشور خود، آن دو از روح القدس پر شده بودند.

آنها در اصل از مسیحیان بابتیست² بودند. اما وقتی با ما دعا می کردند پر سرو صدا تر از اکثر مسیحیان پنتیکاستی غرب بودند. آنها می دانستند که چطور خداوند را ستایش کنند! ما چهار نفر غرق ستایش خداوند بودیم که زنگ درب جلویی به صدا در آمد. رفتم تا در را باز کنم و در پشت در خانمی که از اعضای کلیسای کوچک ما بود و دست مردی را می کشید، ایستاده بود.

او گفت: «این شوهر من است. تازه از زندان آزاد شده. او دیو دارد. ممکن است برای او دعا کنید؟»

در آن روزها مدت زیادی بود که با دیوها سروکاری نداشتم. از دستشان خسته شده بودم و در آن لحظه نمی دانستم چه باید بکنم. پس گفتم: «بفرمایید داخل، ما داریم دعا می کنیم.» این جمله تنها چیزی بود که به فکرم رسید بگویم.

15

پس به طبقه بالا رفتیم و همچنان به دعا کردن ادامه دادیم و واقعاً پر سروصدا بودیم تا اینکه شوهر آن زن پیش من آمد و گفت: «این وضعیت برایم جالب نیست، خیلی پر سروصدا است. من می روم.»

خدا به دلم گذاشت تا در جواب او بگویم: «گوش کن. این شریر است که از چنین سروصدایی خوشش نمی آید چون ما داریم عیسی را ستایش می کنیم و شریر از این کار متنفر است. شما دو راه دارید. اگر حالا از اینجا بروید شریر با شما خواهد آمد و اگر در اینجا بمانید، او بدون شما خواهد رفت.»

مرد جواب داد: «من می مانم.»

و حدود ده دقیقه بعد او باز هم پیش من آمد و گفت: «او رفته، احساس کردم که از گلوی من خارج شد.» من هرگز این خاطره را فراموش نمی کنم چرا که نشان می دهد چقدر ستایش خدا شریر را بیش از آنچه او ما را می آزارد، آزار می دهد.

در زمزمور 1:33 نویسنده مزامیر می گوید: «تسبیح خواندن راستان را می شاید.» حقیقتاً ستایش کردن لباس زیبایی برای روح شماست.

بنابر این، وقتی مورد حمله افسردگی، بی حوصلگی یا غم واقع میشوید، به جای روح کدورت لباس ستایش را به تن کنید. این روش همانطور که برای من و هزاران نفر دیگر نتیجه داد، برای شما هم عمل خواهد کرد.

«... آواز شادمانی و آواز سرود و آواز داماد و آواز عروس و آواز کسانی که می گویند: بیهوده صباپوت را تسبیح بخوانید زیرا خداوند نیکوست و رحمت او تا ابدالابد است، (توجه داشته باشید که دو مورد از سه علت مذکور در اینجا دیده می شود) بار دیگر شنیده خواهد شد و آواز آنانی که هدایای تشکر به خانه خداوند می آورند.»

در بعضی از ترجمه ها به جای «هدایای تشکر» به عبارت قربانی های تشکر اشاره شده است. در هر دو ترجمه يك موضوع روشن است و آن اینکه هم ستایش نوعی قربانی است و هم شکرگزاری و تقدیم آن مستلزم پرداخت بهاست. این کار همیشه آسان نیست و مهمترین زمان برای ستایش خداوند، هنگامی است که شما اصلاً در حسّ و حال ستایش نیستید. اجازه ندهید احساساتتان نوع پاسخ شما را نسبت به عظمت بی حدّ خدا مشخص کنند. کلام خدا حتی در زمانی که با احساسات شما در تناقض کامل هستند، به شما می گوید که چه کار باید بکنید. رساله به عبرانیان 13: 15-16 نیز بر این موضوع تأکید می کند:

16

«پس به وسیله او قربانی تسبیح را به خدا بگذرانیم یعنی ثمره لبهایی را که به اسم او معترف باشند. (تا چه میزان و چند بار میباید خدا را ستایش کنیم؟ دانما.) لکن از نیکوکاری و خیرات غافل مشوید زیرا خدا به همین قربانی ها راضی است.»

بنابر این، ستایش و شکرگزاری يك قربانی محسوب می شوند و هنگامی که تقدیم این قربانی به پرداخت سنگین ترین بها تمام شود، نزد خدا مقبول ترین قربانی ها خواهد بود. وقتی به نظر می رسد که همه چیز به ضدّ ما است همان موقع بهترین زمان برای ستایش خداست. آن هم ستایشی در ایمان.

در زمزمور 8: 2 که ششمین حقیقت کتاب مقدسی در آن دیده میشود ستایش، اسلحه ای روحانی است. این آیه یکی از آیات مورد علاقه من است. بدون اشاره به زمزمور 2:8، ارائه توضیح مفصل در این مورد برایم مشکل است. داود در این آیه می گوید:

«از زبان کودکان و شیرخوارگان به سبب خصمانت قوّت را بنا نهادی تا دشمن و انتقام گیرنده را ساکت گردانی.»

ابتدا به عبارت «قوّت را بنا نهادی» توجه کنید. عهد جدید در این مورد نیز، تفسیری بر عهد عتیق می نماید. ما در مورد هفته آخر خدمت عیسی در اورشلیم چنین می خوانیم:

«اما رؤسای کهنه. کاتبان چون عجایی که از او صادر میگشت و کودکان را که در هیکل فریاد بر آورده هوشیعانا، پسر داودا می گفتند دیده غضبناك گشته به وی گفتند نمی شنوی آنچه اینها می گویند؟ عیسی بدیشان گفت بلی مگر نخوانده اید اینکه از دهان کودکان و شیرخوارگان حمد را مهیا ساختی؟»¹

¹ Lydia –

² – مسیحیان انجیلی که فقط به تعمیم آب معتقدند و اعتقاد دارند که باید مطابق اصول انجیل عمل کرد.

¹ – متی 21: 15-16

در جایی که نویسنده مزامیر می گوید: «قوّت را بنا نهادی» عیسی فرمود: «حمد را مهیا ساختی». این آیه به ما می گوید که قوّت بنا نهاده شده قوم خدا همان ستایش کامل است. صرف نظر از ضعف انسانی، اسلحه روحانی مقابله ناپذیر است. نویسنده مزامیر ضعیف ترین افراد را برای مثال انتخاب می کند، که همان کودکان و شیرخوارگان هستند. آنها حتی در حین پرستش نیز، به صورت آلات قوّت خدا در می آیند و به این وسیله دشمن را ساکت می کنند.

هرگز فراموش نکنید که خدا دشمنانی دارد و یکی از آنها به طور خاص همان «دشمن انتقام گیرنده» یعنی شیطان است. چند سال پیش با كمك يك مترجم فرانسوی در شهر لوزان

17

سوئیس¹ موعظه می کردم در حینی که ترجمه می کرد به او گوش می دادم چون زبان فرانسوی را می فهمم و من هرگز این ترجمه زمور 2:8 را فراموش نمی کنم. «خدا شریر را ساکت می کند.» خدا چه موقع سکوت را بر او تحمیل می کند؟ زمانی که او را می پرستیم. چرا باید شریر را ساکت کنیم؟ چونکه او تمام مدّت، روز و شب در حال متهم کردن ما است. ممکن است از خدا بپرسیم. «(خداوندا!) چرا تو شریر را ساکت نمی کنی؟ و او پاسخ می دهد:» چونکه من به تو اسلحه ای را که به وسیله آن بتوانی این کار را بکنی، داده ام» برای من در اختیار داشتن اسلحه ستایش و داشتن قدرت ساکت کردن شریر مایه شادی است.

بالاخره، هفتمین حقیقت کتاب مقدس این است که ستایش (همچون شکرگزاری) راه را برای مداخله خارق العاده خدا آماده میکند. اجازه دهید به زمور 23:50 نگاهی بیندازیم. (ملاحظه می کنید که ما چند مرتبه در رابطه با موضوع ستایش به کتاب مزامیر مراجعه کرده ایم؟) خدا در این قسمت از کلام می فرماید:

«هر که قربانی تشکر را گذراند مرا تمجید می کند و آنکه طریق خود را راست سازد، نجات را به وی نشان خواهم داد.»

در این ترجمه، فعل «راست سازد» (همچنین «خود را») توسط خود مترجمین به متن اضافه شده است. راه درست دیگری هم برای ترجمه این آیه وجود دارد (یعنی)

«آنکه ستایش می کند راهی را آماده می کند تا نجات خدا را به او نشان دهم.»

به عبارت دیگر، شخصی که خدا را ستایش می کند، راهی را برای آشکار شدن نجات در موقعیت خاص خود آماده می سازد. مثالهای زیبایی از عهد عتیق و جدید در خصوص این اصل وجود دارد. به عنوان مثال، در دوّم تواریخ باب 20، زمانی که یهوشافاط پادشاه یهودا بود، لشکر عظیمی از سوی مشرق به جنگ او آمدند. او می دانست که برای رویارویی با آن لشکر نه نیروی لازم را داشت و نه امکانات جنگ را. بنابراین، او همه قوم خدا را که در یهودا ساکن بودند، فرا خواند و اعلام روزه عمومی کرد.

وقتی آنها در دعا و روزه بودند، خدا توسط نبوتی که به یکی از لاویان داد، به قوم گفت که چه کار کنند: «خیلی ساده اینکه به سمت مکان بخصوصی حرکت کنید. شما لازم نیست بجنگید، خداوند برای شما خواهد جنگید.» و یهوشافاط به قوم اینطور اطمینان بخشید که: «بر یهوه

18

خداي خود ايمان آوريد و استوار خواهيد شد و به انبياي او ايمان آوريد که کامياب خواهيد شد.»¹

روز بعد، قوم حرکت کردند و این چیزی است که پس از آن اتفاق افتاد. دوّم تواریخ 21:20 که می گوید: «و یهوشافاط بعد از مشورت کردن با قوم بعضی را معین کرد تا پیش روی مسلحان رفته برای خداوند بسرایند و زینت قدوسیت را تسبیح خوانند و گویند خداوند را حمد گویند زیرا که رحمت او تا ابدالابد است.»

توجه داشته باشید که باز همان دلیل برای ستایش خدا مطرح می شود. حال آیه 22 را ملاحظه نمایید:

«و چون ایشان به سرائین و حمد گفتن شروع نمودند خداوند به ضدّ بنی عمون و سکنه جبل سعیر که بر یهودا هجوم آورده بودند کمین گذاشت و ایشان منکسر شدند.»

اگر بقیه این ماجرا را مطالعه کنید، خواهید دید که قوم خدا مجبور نبودند که فقط از يك نوع اسلحه استفاده کنند. اسلحه ستایش به آنها پیروزی کامل بخشید. دشمنان ایشان علیه یکدیگر برخاستند و یکدیگر را کشته بودند، در نتیجه تنها کاری که قوم خدا در هنگام آمدن به میدان جنگ می باید انجام می دادند این بود که غنائم را جمع کنند. عجب، تصویر پر شکوهی از قدرت ستایش خدا را در اینجا می بینیم!

در مثال دوم، بیابید لحظه ای به یونس نبی بیچاره آنهم درست در وسط مشکلاتی که داشت نگاه کنیم. داستان یونس را می دانید. او در شکم يك ماهی بزرگ گرفتار شده بود و دعا می کرد. کتاب یونس نبی 2: 2-3 چنین می گوید:

«و گفت در تنگی خود خداوند را خواندم و مرا مستجاب فرمود. از شکم هاویه تضرّع نمودم و آواز مرا شنیدی.»

دعای او هفت آیه به طول می انجامد اما هیچ اتفاقی نیفتاد. سپس او شروع به شکرگزاری کرد و آنوقت بود که ماهی او را بیرون انداخت. به آیه 9 توجه کنید:

«اما من به آواز تشکر برای تو قربانی خواهم گذرانید و به آنچه نذر کردم وفا خواهم نمود نجات از آن خداوند است.»

¹ – دوّم تواریخ 20:20

این دعا واقعاً يك قربانی بود! وقتی انسان در شکم ماهی گرفتار باشد، شروع به شکرگزاری از خدا واقعاً عزمی جزم می خواهد. اما خدا صدای او را شنید! آیه 10 چنین می گوید:

« پس خداوند ماهی را امر فرمود و یونس را بر خشکی قی کرد.»
خداوند چه موقع با ماهی سخن گفت؟ وقتی که یونس شروع کرد به ستایش کردن خدا و شکرگزاری از او.

مثال زیبایی از همین اصل را در باب 16 کتاب اعمال رسولان در خدمت پولس و سیلاس¹ می بینیم. ماجرا از این قرار بود که پولس در شهر فیلیپی از يك زن فالگیر دیوی اخراج کرد و در نتیجه این کار همه شهر به آشوب افتاد. در جریان این آشوب پولس و سیلاس مورد ضرب و شتم قرار گرفته و در زندانی با مراقبتهای بسیار شدید حبس شدند. نیمه شب بود. یکی از دوستان نزديك من اینطور حدس می زند که در آن موقعیت سیلاس می توانست به پولس بگوید که :

اصلاً چرا شروع به اخراج ارواح شریر کردی؟ همه چیز داشت خوب پیش می رفت تا اینکه شروع کردی به اخراج دیوها!«
« اما قریب به نصف شب (که تاریک ترین وقت شب است) پولس و سیلاس دعا کرده خدا را تسبیح می خواندند و زندانیان ایشان را می شنیدند.»

آنها هرگز چنین زندانی هایی در گذشته نداشتند! آیه 26 می گوید؛
« که ناگاه زلزله عظیم حادث گشت به حدی که بنیاد زندان به جنبش درآمد و دفعه همه درها باز شد و زنجیرها از هم فرو ریخت.»

آن زلزله، عادی نبود بلکه حادثه ای غیر طبیعی بود که زنجیرهای زندانیان را پاره کرد و این واقعه در اثر ستایش تسریع شد. در اینجا نیز خدا بار دیگر نجات خود را به آنانی که او را ستایش کردند، نشان داد.

اجازه دهید این فصل را به سه پرسش و پاسخ کوتاه تمام کنم. نخست اینکه، چه موقع باید خدا را ستایش کنیم؟ شکی وجود ندارد. باید هر روز، برای همیشه، همه اوقات و دائماً اینکار را انجام داد.

20

چگونه باید خدا را ستایش کنیم؟ با تمام دل (مزمور 111: 1، با خردمندی (مزمور 7:47)، با دستهای برافراشته و لبهای شادمانی (مزمور 63: 4-5)، با افراشتن دستها همچون هدیه شامگاهی (مزمور 2:141)، با رقص (مزمور 3:149)، با دف و رقص (مزمور 4:150).

چه کسی باید خدا را ستایش کند؟ مزمور 148، لیستی از 29 نوع مختلف از افراد و نظامهای آفرینش را که باید خدا را بستانند، در اختیار ما قرار میدهد. اگر هنوز در این مورد تردید دارید، مزمور 150 موضوع را به طور خاص چنین بیان می کند، « هر که روح

دارد، خداوند را تسبیح خواند.» این توصیف، هیچ کسی را جا نمی اندازد. در واقع تنها يك گروه از افراد هستند که خدا را نمی ستایند و آن مردگان هستند (مزمور 115:17). بنابراین، اگر شما خدا را ستایش نمی کنید، این مشکل خاص شخص شماست! تا اینجا راه حل را فهمیده اید: طرز فکر خود را عوض کنید! تصمیم جدی بگیرید آن هم نه با احساسات بلکه با اراده خود. ستایش خدا را شروع کنید و به موقع خواهید دید که احساسات شما با اراده تان هماهنگ می شود.

21

« فصل 3 »

پرستش

شکرگزاری و ستایش به عنوان پاسخ صحیح ما به نیکویی و عظمت خدا، از نخستین مواردی هستند که آنها را به زبان می آوریم. ما راجع به آنها حرف می زنیم، سرود می خوانیم و حتی با صدای بلند اعلام میکنیم. اما کم هستند کسانی که می دانند پرستش تنها چیزی است که باید به زبان آوریم، پرستش رفتاری انسانی است. همانطور که در ابتدای این مبحث گفتیم، من شخصاً معتقدم که پرستش والاترین کاری است که هر انسانی قادر به انجام آن میباشد. ما بوسیله پرستش، قدوسیت خدا را اقرار می کنیم. پرستش شامل حال تمام بدن، و نه فقط اندام ناطقه ما می گردد. تا جایی که من می دانم هر کلمه ای که در زبان اصلی کتاب مقدس در خصوص پرستش بکار رفته چه زبان عبری عهد عتیق و چه زبان یونانی عهد جدید، وضع و حالتی بدنی را توصیف می کند. بنابراین، داشتن حالات بخصوص ویژه از خصوصیات پرستش محسوب می گردد.

¹ - Silas (رجوع شود به اعمال رسولان 16: 13-26)

ابتدا، فرود آوردن سر. هنگامی که موسی پس از سخن گفتن با خدا در بوته آتشین نزد مشایخ قوم خود در مصر رفت تا به آنها بگوید که خدا ایشان را از مصر رهایی خواهد بخشید، همه ایشان سرها را فرود آورده، خدا را پرستش کردند. این نخستین پاسخ آنها بود- که نه يك كلام بلکه يك رفتار بود.

اغلب در پرستش نه فقط سر بلکه قسمت بالا تنه هم در کار است و ممکن است که همراه با این حالت دراز کردن دستها و سرانیدن مزامیر هم صورت بگیرد. جالب اینجاست که در زبان عبری که با اسمهای ذات بسیار سر و کار دارد، واژه ای که برای عبارت «متشکرم» (todah) به کار می رود با واژه عبری که برای «دست» استفاده می شود، ارتباطی مستقیم دارد. (درواقع) وقتی دستهای خود را به سوی خدا دراز می کنیم، به او می گوئیم «خداوند! متشکرم». ما همچنین دستهای خود را رو به بالا دراز می کنیم تا آنچه را که خدا می خواهد به ما بدهد، دریافت کنیم.

22

زانو زدن حالت مجزای دیگری در پرستش است. من کلیساهای سنتی را که رسم زانو زدن را همچنان حفظ کرده اند، تحسین می کنم (با توجه به اینکه من در محیط کلیسای اسقفی¹ بزرگ شدم، همیشه می دانستم که در مراسم نماز چه وقت باید زانو زد).

به عقیده من، زانو زدن بخش مهمی از پرستش ما را تشکیل می دهد و (متأسفانه) برخی کلیساهای کریزمتیک² و پنطیکاستی دارند این عادت را ترك می کنند. گاهی اوقات که خدا جلساتی را به نقطه اوج می رساند و من به تمام جماعت پیشنهاد می کنم که زانو بزنند ما شاهد غنی ترین ملاقاتهای روح القدس بوده ایم. البته زانو زدن می تواند تشریفاتی مذهبی باشد که بیشتر مفهوم خود را از دست داده، ولی اجازه ندهید که این مسأله شما را از برکت زانو زدن در حضور خدا محروم کند.

واژه اصلی در کتاب مقدس که به ستایش مربوط می شود به معنی افتادن رو به زمین در برابر خدا است. وقتی می شنویم که مردم این سرود را می خوانند: «همه با هم قدرت نام عیسی را متبارک بخوانید.» «پس فرشتگان به خاك بیفتند» می خندم چون اکثر آنها هرگز خواب اینکه خودشان به خاك بیفتند را نمی بینند. (گویا که می گویند) «همینکه فرشتگان به خاك می افتند کافی است ولی از ما انسانهای والا مقام نخواهید که به خاك بیفتیم!» با این وجود، در بین مردان بزرگ کتاب مقدس کمتر کسانی هستند که بالاخره حتی در يك موقعیت خاص هم که شده در برابر خدا به خاك نیفتادند. شاید این امر، اصل نهایی عمل پرستش باشد.

وقتی که من و همسر من روت برای انجام موعظه، برنامه سفر خود را تنظیم می کنیم. قبل از سفر سعی می کنیم خود را آماده کنیم. معمولاً (اگر چه نه همه وقت) در نهایت کار ما به

¹ - کلیسای اسقفی - یکی از فرقه های پروتستان که بیش از سایر کلیساهای به نوع ویژه تشکیلات و عبادت کاتولیکی نزدیک میباشد.

² - Charismatics - پیروان این فرقه به عطایای روح القدس و عملکرد آنها در زندگی شخص ایماندار معتقدند.

رو به زمین افتادن در برابر خدا ختم می شود. (به این وسیله) به خدا اقرار می کنیم که «ما از هر نظر به تو نیازمندیم. ما هیچ چیزی نداریم که به دیگران بدهیم نه قوت، نه عدالت و نه حکمت مگر اینکه تو آنها را عطا کنی.»

من این سخنان جان بانیان³ خیلی دوست دارم که می گوید:

23

«کسی که بر زمین است، ترسی از سقوط ندارد،

کسی که حقیر است ترسی از غرور ندارد،

کسی که فروتن است خدا همواره هادی او خواهد بود.»

وقتی با کف اتاق تماس پیدا می کنید، دیگر نمی توانید پائین تر بروید. لازم نیست که بعد از آن از افتادن بترسید. وقتی در برابر خدا رو به زمین هستید، در امن ترین جای ممکن قرار دارید.

حال که حالتهاى مختلف پرستش را بررسی کردیم، اجازه دهید به عنوان مثالی از چگونگی انجام پرستش در آسمان نگاهی به باب 6 کتاب اشعیاء نبی ببندازیم. اشعیاء در این صحنه، رؤیایی از جلال خداوند را می بیند. این قسمت از کلام خدا همیشه برایم پر معنا بوده چرا که وقتی اولین بار در جلسه ای پنطیکاستی شرکت کردم، پیغام واعظ کلام بر اساس این قسمت بود.

من می دانستم جلسه ای که در آن شرکت کردم، جلسه ای پنطیکاستی بود. در حقیقت اصلاً اطلاع نداشتم که مسیحیان پنطیکاستی هم وجود دارند. خلاصه اینکه، در آن زمان من سرباز ارتش بریتانیا بودم و درست مثل همه سربازان در محیط ارتش بریتانیا زندگی می کردم. سپس در این جلسه، کلام خدا را از این قسمت کتاب اشعیاء، شنیدم. اشعیاء، با دیدن خداوند در جلالش گفت: «وای بر من که هلاک شده ام زیرا که مرد ناپاک لب هستم و در میان قوم ناپاک لب ساکنم.»¹

وقتی این کلمات را شنیدم، با درک این مسأله که چقدر از واقعیت دور هستم به خود گفتم: «هیچ کس تا بحال تو را اینقدر دقیق توصیف نکرده بود.» بعد از آن، اگر چه نفهمیدم که واعظ داشت راجع به چه چیزی صحبت می کرد، ولی او تمام توجه مرا به خود جلب کرده بود.

اجازه دهید سه آیه اول باب 6 کتاب اشعیاء را بخوانیم که می گوید:

«در سالی که عزیا پادشاه مرد، خداوند را دیدم که بر کرسی بلند و عالی نشسته بود و هیكل از دامنهای وی پر بود. و سرافین بالای آن ایستاده بودند...»

واژه «سرافین» با واژه عبری که برای لغت «آتش» به کار می رود، ارتباط مستقیم دارد. سرافین هر چیز دیگری که می خواهند باشند (اما) موجوداتی آتشین هستند. آنها اینطور توصیف شده اند:

³ John Bunyan -

¹ - اشعیاء 5:6

«... هر يك از آنها شش بال داشت و با دو از آنها روی خود را می پوشانید و با دو پایهای خود را می پوشانید و با دو پرواز می نمود و یکی دیگری را صدا زده می گفت: قَدّوس، قَدّوس، قَدّوس، یهوه صبايوت تمامی زمین از جلال او مملو است!»

24

من همیشه بر این اعتقاد بوده ام که آن سه کلمه قدوس خطاب به سه شخصیت تثلیث گفته شد یعنی: قَدّوس است خدای پدر، قَدّوس است خدای پسر و قَدّوس است روح القدس. اگر يك لحظه این صحنه را در مخیله خود تصوّر کنید، به مفهوم شگفت انگیز رابطه بین پرستش و ستایش پی خواهید برد. ستایش سخنی است که بر زبان جاری می شود و در این آیات سرافین داشتند خداوند را ستایش می کردند و قَدّوسیت او را اعلام می نمودند. با این وجود، اشعیاء ابتدا ستایش کردن سرافین را مشاهده نکرد. نخستین چیزی که او متوجّه شد حالت پرستش آنها بود. آن سرافین شش بال داشتند. آنها با دو جفت اوّل از بالها صورت خود را و با دو جفت دوّم پاهای خود را پوشاندند. این – پوشاندن صورت و بدن به نشانه احترام در برابر خدا- پرستش است. و هریک از سرافین با دو بال باقیمانده خود پرواز می کردند.

اگر پوشاندن صورت و پاها را پرستش و پرواز کردن را خدمت در نظر بگیریم، خواهید دید که نسبت بالها برای پرستش و خدمت 4 به 2 است. به عقیده من، این نسبت درست است. ما در انجام رسالتمان برای خداوند می باید دو برابر وقت و اهمیتی را که به خدمت کردن می دهیم، به پرستش اختصاص دهیم.

علاوه بر این معتمد که خدمت می باید متعاقب پرستش انجام گیرد. ما هرگز نباید پیش از آنکه ابتدا از طریق پرستش با خدا ارتباط برقرار میکنیم، در خدمت او وارد شویم. خدمت ما در صورتی همیشه مؤثر واقع می گردد که متعاقب پرستش انجام شود.

عیسی در انجیل متی 10:4، پس از آنکه شیطان او را وسوسه کرد تا به زمین بیفتد و او را بپرستد، توالی پرستش و خدمت را تصدیق نمود. عیسی در جواب او تثنيه 13:6 را نقل فرمود.

«دور شو ای شیطان! زیرا مکتوب است که خداوند خدای خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما.»

توجه کنید که ترتیب اوّل پرستش بعد خدمت دوباره تکرار می شود. از سوی دیگر، خدمت باید همیشه بعد از پرستش انجام شود.

يك زمانی پرستش در کلیساها خیلی کم صورت می گرفت. جلسات صبح روز یکشنبه به جلسات پرستش معروف بودند ولی در واقع اگر چه ستایش و اعترافات مثبت انجام می شد ولی پرستش به مفهوم واقعی صورت نمی گرفت. در طی دو دهه اخیر روح پرستش دوباره به کلیسا

بازگشته است. حتّی برخی جماعت‌های کلیسایی برنامه خاصی را به عنوان پرستش مشخص کردند و به خود می بالیدند که پرستش خوبی انجام می دهند.

25

اما اگر ما پرستش را تنها به عنوان عملی که در آن به خود ریاضت می دهیم تلقی کنیم و مفهوم حقیقی آن را که يك خدمت است در نظر نگیریم، در واقع ریاکاری می کنیم. اگر از يك جلسه پرستشی عالی در صبح روز یکشنبه لذت می بریم و بعد که به منزل بر می گردیم باقی هفته را برای خودمان زندگی کنیم، در واقع سخن عیسی خداوند را که می فرماید: «خداوند خدای خود را پرستش کن و او را فقط عبادت نما» فراموش کرده ایم. نه، خدمت ما باید از پرستش کردن جدا باشد و نه پرستش ما از خدمت.

حال بیائید به مراحل پاسخگویی ما به محبّت خدا از شکرگزاری و ستایش به پرستش نگاهی بیندازیم. بخشی از مزمور 95 وجود دارد که این سلسله مراتب را به زیبایی توصیف می کند. دو آیه نخست این بخش ستایشی با صدای بلند و پرشکوه را برای ما بیان می کند. با صدایی بسیار بلندتر از حدّی که برخی کلیساها اجازه آن را می دهند! این آیات اینطور می گویند:

«بیائید خداوند را بسرائیم و صخره نجات خود را آواز شادمانی دهیم¹»

فریاد کردن به معنی با صدای بلند سرود خواندن نیست، بلکه به معنی واقعی فریاد زدن است.

«به حضور او با حمد نزدیک شویم و با مزامیر او را آواز شادمانی دهیم²»

توجه می فرمائید که دو مرحله دستیابی به حضور خدا باز هم تکرار می شود که عبارتند از: شکرگزاری و ستایش. راه دیگری برای آمدن به حضور خدا وجود ندارد.

کتاب مقدس در این مورد بسیار منطقی برخورد می کند. این کتاب فقط از ما نمی خواهد که خدا را شکر کنیم و او را بستائیم بلکه دلیل انجام این کار ما را نیز به ما می گوید. به یاد دارید که در مزمور 100 سه دلیل تغییر ناپذیر برای شکرگزاری از خدا ارائه شده که عبارتند از: چون خداوند نیکوست، رحمت او ابدی است و امانت وی تا ابدالآباد است.

حال در مزمور 95 آیات 3 تا 5 دلایلی مبنی بر ستایش خدا برای ما ارائه می شود، اوّل اینک:

«زیرا که یهوه خدای بزرگ است و پادشاه عظیم بر جمیع خدایان³»

¹ – انجیل متی 10:4

² – مزمور 95: 1

³ – مزمور 95: 2

⁴ – مزمور 95: 3و4

واژه عظیم (بزرگ) در اینجا دوبار به کار رفته و به ما یادآوری می کند که ما به وسیله ستایش، عظمت خدا را اعلام می کنیم و این کار را با ستایش بلند، پرشکوه و پرهیجان انجام می دهیم.

آن وقت است که او را به عنوان خالق قادر خود می بینیم:

«نشیهایی زمین در دست وی است و فرازهای کوهها از آن او. دریا از آن اوست. او آن را بساخت و دستهای وی خشکی را مصور نمود¹»

بنابر این ما به وسیله شکرگزاری و ستایش خدا به جهت عجایب خلقت وی به حضور او می آئیم. اما این تنها مرحله دستیابی به حضور خداست. همانطور که قبلاً دیدیم، ستایش و شکرگزاری راههای واقعی نزدیک شدن به حضور او هستند. در آیه 6 متوجه مبحث پرستش می شویم که می گوید:

«بیایید عبادت و سجده نماییم و به حضور آفریننده خود خداوند زانو زنیم»

در این آیه، از مرحله بیان به مرحله عمل می رسیم. ما کار را با ستایش و شکرگزاری شروع کردیم اما هدف ما چیز دیگری است. وقتی مسیحیان در مرحله ستایش و شکرگزاری متوقف می شوند، در واقع هدف یعنی پرستش را گم کرده اند که نه يك بيان، بلکه يك عمل است.

چرا پرستش می کنیم؟ آیه 7 اینطور می گوید:

«زیرا که او خدای ما است...»²

پرستش فقط از آن خدا است. عمل پرستش عالی ترین راهی است که به وسیله آن اقرار می کنیم که او خدای ما است.

«و ما قوم مرتع و گله دست او می باشیم»³

خوب است که قوم خدا او را پرستش کنند. پرستش بیان کننده ارتباط بین ما به عنوان قوم خدا و خود خدا به عنوان آفریننده و رهاننده ما است.

اما آیه 7 در همین جا به پایان نمی رسد. بخش اول جمله بعدی در پایان این آیه آمده که سرّ شگفت انگیزی را آشکار می کند:

«امروز کاش آواز او را می شنیدند: دل خود را سخت مسازید...»⁴

چرا این هشدار بخصوص در بخش مربوط به پرستش آمده است؟ چون وقتی خدا را می پرستیم واقعاً صدای خدا را می شنویم. وقتی پرستش می کنیم در واقع به آخر سخن گفتن رسیده ایم و هنگامی که فریادهای خود را کردیم و او را ستایش نمودیم، خود را در حالت احترام در برابر خدا ساکت می یابیم.

¹ - مزمور 95 : 5

² - مزمور 95 : 7

³ - مزمور 95 : 7

⁴ - مزمور 95 : 7-8

شخصی گفته است که کریزمتیکی ها از سکوت می ترسند. این ممکن است درست باشد. واقعیت اینجاست که اوقاتی پیش می آیند که باید ساکت شد. کسی نمی داند این سکوت چقدر طول خواهد کشید؟ آیا مایلیم 10 دقیقه از این وقت را به خدا بدهیم؟ بیشتر کلیساها حداکثر وقتی که برای سکوت اختصاص می دهند، 10 دقیقه است. البته تنها خداست که مشخص می کند مدت زمان سکوت ما در حضور او چقدر باید باشد. اما در این حالت، هرچقدر که سکوت ما طول بکشد، آماده شنیدن صدای او هستیم.

من و روت تقریباً هر روز به طور مرتب وقتی را برای ستایش و پرستش خدا اختصاص می دهیم (از آنجا که من صدای چندان خوبی ندارم، روت پرستش ما را رهبری می کند!) و در بسیاری از اوقات هنگامی که با سکوت خود در حضور خدا او را پرستش می کنیم، او با ما صحبت میکند. در چنین اوقاتی، او بیش از پیش ما را هدایت کرده، به ما هشدار می دهد و تشویقمان می کند: و با اینکه من در مورد کلامهای نبوتی بسیار محتاط هستم، اگر در حین پرستش ما یکی از این نبوتها صورت گیرد و هماهنگی پرستش را مختل نکند، من معمولاً آماده ام که باور کنم خدا دارد در آن کلام با ما صحبت میکند. اما اگر هیچ وقت به چنین مرحله ای از پرستش نرسیم، این امکان وجود دارد که هرگز به خدا فرصت ندهیم با ما سخن بگویید.

بنابر این به مراحل ذکر شده در مزمور 95 توجه کنید که عبارتند از: ستایش پرشکوه با هیجان و با صدای بلند که ما را به حضور خدا وارد می کند. ما او را به خاطر کارهایی که تا بحال شاهد بوده ایم و حتی بیشتر، ستایش می کنیم. اما وقتی به حضور او وارد می شویم، عکس العمل ما تغییر می کند. دیگر از ستایش و شکرگزاری به زبان خبری نیست بلکه رفتاری خاکی از احترام و پرستش در حضور خدای قادر مطلق خواهیم داشت که در آن حالت آماده شنیدن صدای او هستیم.

عیسی خداوند در یوحنا 23:4 خطاب به زن سامری در کنار چاه یعقوب چند واژه کلیدی در رابطه با پرستش به کار می برد و می فرماید:

«لیکن ساعتی می آید بلکه الآن است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح و

راستی پرستش خواهند کرد زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است»

جمله قابل توجهی است، این طور نیست؟ خدای قادر مطلق در جستجوی کسانی است که او را می پرستند، اما ما باید او را مطابق شرایط خود وی پرستش کنیم. در آیه 24 چنین آمده است:

«خدا روح است و هر که او را پرستش کند می باید به روح و راستی بپرستد.»

مطابق کتاب مقدس، انسان از سه بخش تشکیل شده که عبارتند از: روح، جسم و جان. جان ما در ستایش و شکرگزاری بسیار فعال عمل می کند. اما هنگامی که موضوع پرستش در میان است، این روح ما است که در ارتباط با روح خدا قرار می گیرد. این کاری است که جان ما قادر به انجام آن نیست.

روح القدس است که اتحاد مستقیم با خدا را برای ما ایجاد می کند. آنانی که پری روح القدس را تجربه کرده اند می دانند که این پری چگونه مسیر پرستش ما را تغییر می دهد. ما در این حالت به بعد جدیدی وارد شده ایم. پری از روح القدس ما را اشخاصی کامل یا برتر

از دیگران نمی سازد، ولی چیزی را در ما آزاد می کند که ما را قادر می سازد تا درست پرستش کنیم.

همچنین پرستش ما باید پرستشی حقیقی باشد. به اعتقاد من، حقیقت مستلزم خلوص نیت است. موضوع خلوص نیت در پرستش از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می باشد. برای روشن شدن این مسأله می خواهم تصویر کوچکی از کتاب لاویان ارائه دهم که وظایف کهنات و نحوه گذراندن قربانیا در عهد عتیق را توصیف می کند.

در این کتاب خدا دستوراتی در خصوص اینکه کدام حیوانات را می توان قربانی کرد و کدامها را نمی توان، می دهد. او در لاویان 2: 1-2 دستور می دهد که کندر- صمغ معطر خاصی که از یک نوع درخت حاصل می شود- همراه با هر قربانی سوزانده شود.

«و هرگاه کسی قربانی هدیه آردی به جهت خداوند بگذارند پس قربانی او از آرد نرم باشد و روغن بر آن بریزد و کندر بر آن بنهد و آن را نزد پسران هارون کهنه بیاورد و یک مشت از آن بگیرد یعنی از آرد نرمش و روغنش با تمامی کندرش و کاهن آن را برای یادگاری بسوزاند تا هدیه آتشین و عطر خوشبو به جهت خداوند باشد.»

قربانیا از عناصر مختلفی می شدند از جمله آرد و روغن (که روغن در واقع سمبلی از روح القدس است). تنها بخشی از این عناصر سوزانده می شدند و بقیه آنها به کاهن داده می شد. (همچنین هدایایی که ما امروزه به خدا تقدیم می کنیم برای خدمت به خادمین خدا که کاهنان امروزی هستند به کار می رود.) اما همه کندر سوزانده می شد چرا که کندر در عهد عتیق نوعی

29

پرستش محسوب می شود و بخشی از هدیه ما است که به هیچ کس جز خدا تعلق ندارد. پس چقدر مهم است که هرگز هیچ انسانی را پرستش نکنیم و فقط خداوند را شایسته این کار بدانیم. کندر به خودی خود چیز زیبایی نیست اما وقتی سوزانده می شود، رایحه خوشی از خود می دهد. پرستش ما برای خدا درست همین طور است یعنی رایحه معطر و زیبایی که آن را می بوید.

از سوی دیگر ماده دیگری وجود دارد که نباید به عنوان هدیه به خدا تقدیم گردد. در لاویان 2: 11 چنین می خوانیم:

«و هیچ هدیه آردی که به جهت خداوند می گذرانید با خمیر مایه ساخته نشود زیرا که هیچ خمیر مایه و عسل را برای هدیه آتشین به جهت خداوند نباید سوزانید.»

عسل در حالت طبیعی، ماده ای شیرین و خوش طعم است. اما وقتی سوزانده شود به ماده سیاه و چسبنده ای تبدیل می گردد. بنابراین، چیزی که خداوند می گوید این است که:

«پرستشی را به من تقدیم نکنید که تاب تحمل آتش را ندارد. برایم هدیه کندر بگذارید چرا که هرچه بیشتر سوزانده می شود، شیرین تر می گردد. قربانی پرستشی را به من تقدیم نکنید که وقتی در معرض آزمائش قرار می گیرد به ماده ای چسبنده و سیاه تبدیل می شود.»

به این موضوع خوب فکر کنید و از خود بپرسید: «آیا در دعای خود قربانی عسل تقدیم می کنم یا قربانی کندر را؟ آیا به خدا در مورد چیزهایی سخن می گویم که خود به آن عمل نمی کنم؟ یا در روح و راستی نزد او دعا می کنم؟

آخرین تصویر مهمی که از پرستش ترسیم شده در اوّل قرننّیان 6: 16-17 یافت می شود. این قسمت کاملاً رك صحبت می کند درست همانطور که کتاب مقدس کتابی صریح و روراست است. پولس در این آیات می گوید:

«... آیا نمی دانید که هر که با فاحشه پیوند با وی یکن باشد زیرا می گوید هر دو يك تن خواهند بود؟ لکن کسی که با خداوند پیوندد يك روح است.»

لازم است که با خود روراست باشیم و تضادّ موجود را مشاهده کنیم. نخستین مثال پولس در مورد اتحاد نامشروع جنسی است. اما به موازات این مثال، او در مورد شخصی که در روح به خداوند می پیوندد سخن می گوید.

30

به عبارت دیگر، دو نوع اتحاد وجود دارد: اتحاد جسمانی و اتحاد روحانی و پرستش همان اتحاد روحانی است- یعنی تنها راهی که روح ما می تواند مستقیماً با خدا یکی شودو در نتیجه این یکی شدن است که ثمره تولید می گردد.

بنابراین وقتی به مقوله پرستش فکر می کنید، به یاد داشته باشید که این تنها راه یکی شدن روح شما و روح خدا است. در نتیجه این اتحاد، شخص متمر ثمر می گردد. در اتحاد روحانی نیز درست مثل اتحاد جسمانی، نتیجه تولید ثمر است.

به خودتان وقت دهید و در مورد این سلسله مراتب که در نقطه یکی شدن با خدا به اوج می رسد فکر کنید یعنی مراحل شکرگزاری- ستایش – پرستش. در قسمت شکرگزاری و ستایش آزاد باشید اما همیشه به یاد داشته باشید نقطه اوج در پرستش کردن است.

دعاها و اعترافات مثبت درك و روت پرينس

مقدمه ای بر دعاها و اعترافات مثبت

خدا به موسی مأموریت داده بود که قوم اسرائیل را از قید بندگی در مصر رهایی بخشد اما موسی احساس می کرد که برای این کار آماده نبود.

خدا از موسی پرسید: «و آن چیست در دست تو؟»¹

موسی در جواب گفت: «يك عصا». در حالی که هیچ چیز بخصوصی در آن به نظرش نمی آمد.

خدا شروع کرد به نشان دادن بالقوه معجزه آمیزی که در آن عصای به ظاهر بی اهمیت وجود داشت و موسی واقعاً از ترس عصای خودش عقب کشید! ولی هنگامی که خدا به او نشان داد که

چگونه از آن عصا به عنوان ابزار اقتدار الهی استفاده کند، آن عصا تنها چیزی شد که موسی برای انجام مأموریت خود نیاز داشت.

موسی با همان عصا جادوگران مصر را شکست داد، قدرت فرعون را در هم شکست، خدایان مصر را تحقیر کرد و قوم اسرائیل را از بندگی و اسارت به سوی آزادی هدایت کرد. شما هم عصایی در دست دارید که همان کتاب مقدس است. اگر بتوانید نیروی نامحدود آن را درك کنید قادر خواهید بود از کتاب مقدس خود همانطور استفاده کنید که موسی از عصای خویش کرد یعنی به کارگیری اقتدار الهی در هر موقعیتی که در آن شیطان با مردم و با اهداف خدا مخالفت می کند.

من و روت در طی سه سال گذشته درگیر جنگی مداوم با شیطان بودیم که داشت به طرق مختلف با ما و خدمت ما مخالفت می کرد. هدف اصلی او از بین بردن روت بوده است. روح القدس در این جنگ به ما یاد داده که چگونه از کتاب مقدس به عنوان عصا استفاده کنیم و توسط آن اقتدار الهی را در هر قسمتی که شیطان با ما مخالفت می کرد، بکار ببریم.

32

روح القدس به گونه ای سیستماتیک، آیه به آیه، ما را هدایت کرده و نشان داده که چگونه از آن آیات جهت مقابله با شیطان در هر قسمت موجود استفاده کنیم. راهکاری که روح القدس به ما آموخته این است:

اعتراف مثبت! شکرگزاری! ستایش!

نخست اینکه، آیه مناسب شرایط مورد نظر را با اطمینان محکم و راسخ اعلام کنید. برای آنکه این روش کاملاً موثر واقع شود، ما اغلب قسمتی را که می خوانیم به خودمان ربط می

¹ - سفر خروج 2: 4

دهیم و هر تغییر دستور زبانی را که لازم باشد انجام می دهیم تا آن آیه با شرایط ما متناسب گردد. به عنوان مثال، جایی که کتاب مقدس می گوید «شما»، ما آن را به «من» یا «ما» تغییر می دهیم.

دوم اینکه کلام خدا را حتی قبل از مشاهده عملکرد آن در هر موقعیتی از زندگی با ایمان بپذیریم. نتیجه طبیعی این کار شکرگزاری از خدا است.

این کار ما را به مرحله سوم هدایت می کند یعنی ستایش پرشکوه و با صدای بلند. سلیمان در کتاب غزل غزله 4:6 عروس مسیح را که همان کلیسا باشد، به صورت «لشکر مهیب پرچم دار» ترسیم می کند.

اعتراف مثبت! ستایش! شکرگزاری!

ما توانسته ایم لشکرهای تاریکی را بیرون کنیم و به آزادی ای که خدا برای ما به عنوان ایمانداران خود معین فرموده، وارد شویم.

ما اعترافات مثبت برگرفته از آیات کتاب مقدس را که در ذیل آمده، خود در زندگی تجربه کرده و آزموده ایم. قطعه ای که آن را از بر کردیم قسمتی است که روح القدس آن را برای ما باز کرده است. از سوی دیگر این بخش، از ترجمه تحت اللفظی کتاب مقدس برگرفته شده است. جاهایی از آیات بوده که لازم دیدیم تغییراتی در آنها ایجاد کنیم، این تغییرات با علامت ستاره (*) مشخص شده اند.

- 1 - ترس خداوند
- 2 - عدالت و قدوسیت
- 3 - سلامتی و قوت

33

- 4 - هدایت، حمایت، محافظت
- 5 - مداخله خدا در امور انسانی
- 6 - آزمایش و امتحان
- 7 - جنگ روحانی
- 8 - رهایی کامل
- 9 - ثبات فکری و احساسی
- 10- خدمت به خدا

در آخر، سه اعتراف مثبت جامع را که به طور خاص مورد علاقه ما هستند، ذکر می کنیم.

برای آنکه بتوانید حداکثر استفاده را از این آیات ببرید، سه کار ساده باید انجام دهید؛

1- از روح القدس بخواهید تا آیات بخصوصی را که متناسب با شرایط خاص شما هستند برایتان باز کند.

استفاده از یوشع 9:1 به من پاسخ داد. حالا بیش از 16 سال که از آن زمان می گذرد بهتر درك می كنم كه چرا او این آیه را به من داد!

35

«آیا تو را امر نکردم؟ پس قوی و دلیر باش. مترس و هراسان مباش. زیرا در هر جا که بروی، پهلوه خدای تو با تو است.»

پس قوی و دلیر باشید !

روت پرینس

36

ترس خداوند

«اینك ترس خداوند حكمت است و

2- این آیات را در صورت امکان چندین بار با صدای بلند بخوانید.

3 - به تدریج از مرحله روخوانی آیات به مرحله حفظ آیات برسید. البته این کار امری طبیعی است. معادل عبری عبارت «حفظ کردن»، به معنی «با زبان بیان کردن» است. همچنان که این آیات را با صدای بلند می خوانید، آنها کم کم در ذهن شما حك می شوند. پس از مدتی احتمالاً روح القدس آیات دیگری را برایتان باز می کند که به شکل خاصی با شرایط شما مناسبت دارند. صفحات موجود در پایان هر بخش به دعاها و اعترافات شخصی شما اختصاص داده شده است.

دعای من و روت این است که این آیات همانطور که در زندگی ما عمل کردند، برای شما نیز مؤثر باشند. این آیات فرق بین شکست و پیروزی را برای ما مشخص کرده اند درك پرینس

34

چند کلمه ای از زبان روت پرینس

هنگامی که عیسی را به عنوان نجات دهنده و خداوند خود شناختم 40 ساله بودم. گمان می کردم برای حفظ کردن آیات کتاب مقدس «خیلی پیر» شده ام ... هنگامی که کتاب مقدس را در هر دو عهد عتیق و عهد جدید مطالعه می کردم به رساله کولسیان 10:1 برخورد می گوید: «تا شما به طریق شایسته خداوند به کمال رضامندی رفتار نمائید و در هر عمل نیکو بار آورید و به معرفت کامل خدا نمو کنید»

این آیه باعث شگفتی من شد چرا که دقیقاً آرزوی دل مرا بیان می کرد. در نتیجه، این آیه، اولین آیه ای بود که من حفظ کردم. این آیه، «آیه زندگی» من است. شما منظور مرا در صفحات آتی خواهید فهمید. این را به شما می گویم تا تشویقتان کنم که شما هم می توانید همین کار را انجام دهید. وقتی خدا آیه ای را در موقع نیاز برایتان باز می کند، از اینکه چقدر سریع آن آیه را یاد می گیرید ، متحیر خواهید شد!

صفحات بعدی این کتاب پاسخی برای دعای شخصی من نیز محسوب می شوند. وقتی که به دلیل بیماری سختی در بیمارستان بستری بودم، دریافتم که یادآوری آیاتی که زمانی آنها را حفظ کرده بودم بسیار سخت است. فکر انسان در چنین شرایطی به يك میدان جنگ تبدیل می شود.

من احتیاج داشتم که اعترافات مثبت و اقرارهایمان را به صورتی که خواندنش آسان باشد، در اختیار داشته باشم و به کسی نیاز داشتم که آنها را با صدای بلند برایم بخواند. در آخر می خواهم شما را با آیه ای که برای من بسیار با ارزش است، تشویق کنم. هنگامی که در سال 1974 به دنبال تأیید خدا برای دعوت خدمت خود در اسرائیل بودم، خدا با

« اَمّا من بر تو ای خداوند توکل می دارم و گفته ام خدای من تو هستی. وقتیهای من در دست تو میباشد. زهی عظمت احسان تو که برای ترسندگان ذخیره کرده ای و برای متوکلان پیش بنی آدم ظاهر ساخته ای. ایشان را در پرده روی خود از مکاید مردم خواهی پوشانید. ایشان را در خیمه ای از عداوت زبانها مخفی خواهی داشت.»

(مزمور 31: 14-15 و 19-20)

38

عدالت و قدّوسیت

« بنابراین چونکه ما نیز چنین ابر شاهدان را گرداگرد خود داریم، هربار گران و گناهی را که ما را سخت می پیچد دور بکنیم و با صبر در آن میدان که پیش روی ما مقرر شده است، بدویم. و به سوی پیشوا و کامل کننده ایمان یعنی عیسی نگران باشیم که به جهت آن خوشی که پیش او موضوع بود، بی حرمتی را ناچیز شمرده متحمل صلیب گردید و به دست راست تخت خدا نشسته است.

بلکه تقرب بسته اید به جبل صهیون و شهر خدای حی یعنی اورشلیم سماوی و به جنود بی شماره ای از محفل فرشتگان و کلیسای نخستزادگانی که در آسمان مکتوبند و به خدای داور جمیع و به ارواح عادلان مکمل و به عیسی متوسط عهد جدید و به خون پاشیده شده که متکلم است به چیزهای نیکوتر از خون هابیل»

(عبرانیان 12: 1-2 و 22-24*)

« و برای این دعا می کنم تا محبت شما در معرفت و کمال فهم بسیار افزونتر شود. تا چیزهای بهتر را برگزینید و در روز مسیح بی غش و بی لغزش باشید و پر شوید از میوه عدالت که به وسیله عیسی مسیح برای تمجید و حمد خداست.»

(فیلیپیان 1: 9-11)

« کیست که سهوهای خود را بداند؟ مرا از خطایای مخفی ام طاهر ساز. بنده ات را نیز از اعمال متکبرانانه بازدار تا بر من مسلط نشود. آنگاه بی عیب و از گناه عظیم مبرا خواهم بود. سخنان زبانم و تفکر دلم منظور نظر تو باشد ای خداوند که صخره من و نجات دهنده من هستی.» (مزمور 19: 12-14)

39

« و از آن جهت ما نیز از روزی که این را شنیدیم، باز نمی ایستیم از دعا کردن برای شما و مسألت نمودن تا از کمال معرفت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید. تا شما به طریق شایسته خداوند به کمال رضامندی رفتار نمایید و در هر عمل نیکو بار آورید و به

« ای اطفال بیابید، مرا بشنوید و ترس خداوند را به شما خواهم آموخت. کیست آن شخصی که آرزومند حیات است و طول ایام را دوست می دارد تا نیکویی را ببیند؟ زبانت را از بدی نگاه دار و لبهایت را از سخنان حيله آمیز. از بدی اجتناب نما و نیکویی بکن، صلح را طلب نما و در پی آن بکوش.»

(مزمور 34؛ 11-14)

« ترس خداوند ابتدای حکمت است، همه عاملین آنها را درك نیکو است. حمد او پایدار است تا ابد الابد.» (مزمور 111: 10*)

« ترس یهوه آغاز علم است، لیکن جاهلان حکمت و ادب را خوار می شمارند.» (امثال 7:1)

37

« ترس خداوند مکروه داشتن بدی است، غرور و تکبر و راه بد و دهان دروغگو را مکروه می دارم.» (امثال 13:8)

« ابتدای حکمت ترس خداوند است و معرفت قدّوس، فطانت می باشد. زیرا که به واسطه من روزهای تو کثیر خواهد شد و سالهای عمر از برایت زیاده خواهد گردید.» (امثال 9: 10-11)

« در ترس خداوند اعتماد قوی است و فرزندان او را ملجا خواهد بود. ترس خداوند چشمه حیات است تا از دامهای موت اجتناب نماید.» (امثال 14: 26-27)

« ترس خداوند مؤدّی به حیات است و هر که آن را دارد در سیری ساکن میماند و به هیچ بلا گرفتار نخواهد شد.» (امثال 23:19)

« جزای تواضع و خداترسی، دولت و جلال و حیات است.» (امثال 4:22)

دعاها و اعترافات مثبت خود شما

معرفت کامل خدا نموّ کنید. و به اندازه توانایی جلال او به قوّت تمام زور آور شوید تا صبر کامل و تحمل را با شادمانی داشته باشید و پدر را شکر گزارید که ما را لایق بهره میراث مقدّس در نور گردانیده است و ما را از قدرت ظلمت رهانیده به ملکوت پسر محبّت خود منتقل ساخت که در وی فدیّه خود یعنی آمرزش گناهان خویش را به وسیله خون او یافته ایم.»

(کولسیان)

1: 9-14 (*)

«ای پسر من اگر سخنان مرا قبول می نمودی و اوامر مرا نزد خود نگاه میداشتی تا گوش خود را به حکمت فرا داری و دل خود را به فطانت مایل گردانی. اگر فهم را دعوت می کردی و آواز خود را به فطانت بلند می نمودی. اگر آن را مثل نقره می طلبیدی و مانند خزانه های مخفی جستجو می کردی، آنگاه ترس خداوند را می فهمیدی و معرفت خدا را حاصل می نمودی.»

(امثال)

2: 1-5

«لیکن ساعتی می آید بلکه الآن است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد. زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است. خدا روح است و هر که او را پرستش کند، می باید به روح و راستی بپرستند.»

(انجیل یوحنا)

4: 23-24

40

«اما خود خدای سلامتی شما را بالکل مقدّس گرداناد و روح و نفس و بدن شما تماماً بی عیب محفوظ باشد در وقت آمدن خداوند ما عیسی مسیح. امین است دعوت کننده شما که این را هم خواهم کرد.»

(اول تسالونیکیان)

5: 23-24

«خوشا بحال کسی که به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد و در مجلس استهزا کنندگان ننشیند بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می کند. پس مثل درختی نشانده نزد نه‌های آب خواهد بود که میوه خود را در موسم می دهد و برگش پژمرده نمی گردد و هرآنچه میکند نیک انجام خواهد بود.»

(مزمور)

1: 1-3

«زیرا که او عالی و بلند است و ساکن در ابدیت می باشد و اسم او قدّوس است چنین می گوید: من در مکان عالی و مقدّس ساکنم و نیز با کسی که روح افسرده و متواضع دارد تا روح متواضعان را احیا نمایم و دل افسردگان را زنده سازم... اما به این شخص که مسکین و شکسته دل و از کلام من لرزان باشد، نظر خواهم کرد.»

(اشعیا)

57: 15 و 66: 2

«پس مانند برگزیدگان مقدّس و محبوب خدا احشای رحمت و مهربانی و تواضع و تحمل و حلم را بپوشید و متحمل یکدیگر شده و همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید چنانکه مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید و بر این همه محبّت را که کمر بند کمال است، بپوشید و سلامتی خدا در دلهای شما مسلط باشد که به آن هم در يك بدن خوانده شده اید و شاگرد باشید.»

کلام مسیح در شما به دولتمندی و به کمال حکمت ساکن بشوید و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی و با فیض در دلهای خود خدا را

41

بسرانید و آنچه می کنیم در قول و فعل همه را به نام عیسی خداوند می کنیم و خدای پدر را به وسیله او شکر می کنیم.»

(کولسیان)

3: 12-17 (*)

«زیرا که فیض خدا که برای همه مردم نجات بخش است ظاهر شده ما را تأدیب می کند که بی دینی و شهوات دنیوی را ترك کرده با خرد اندیشی و عدالت و دینداری در این جهان زیست کنیم و آن امید مبارک و تجلّی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار کشیم که خود را در راه ما فدا ساخت تا ما را از هر ناراستی برهاند و امّتی برای خود طاهر سازد که ملک خاصّ او و غیور در اعمال نیکو باشند.»

(تیطس)

2: 11-14

«ای حبیبان یکدیگر را محبّت نمایم زیرا که محبّت از خداست و هر که محبّت می نماید، از خدا مولود شده است و خدا را می شناسد و کسی که محبّت نمی نماید خدا را نمی شناسد زیرا خدا محبّت است و محبّت خدا به ما ظاهر شده است به اینکه خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاده است تا به وی زیست نمایم و محبّت خدا در همین است نه آنکه ما خدا را محبّت نمودیم بلکه اینکه او ما را محبّت نمود و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود. ای حبیبان اگر خدا با ما چنین محبّت نمود، ما نیز می باید یکدیگر را محبّت نمایم و ما دانسته و باور کرده ایم آن محبّتی را که خدا با ما نموده است. خدا محبّت است و هر که در محبّت ساکن است، در خدا ساکن است و خدا در وی.» (اول)

یوحنا 4: 7-11 و 16)

«خوشا بحال مسکینان در روح زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشا بحال ماتمیان زیرا ایشان تسلی خواهند یافت. خوشا بحال حلیمان زیرا ایشان وارث زمین

42

خواهند شد. خوشا بحال گرسنگان و تشنگان عدالت زیرا ایشان سیر خواهند شد. خوشا بحال رحم کنندگان زیرا برایشان رحم کرده خواهد شد. خوشا بحال صلح کنندگان زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهد شد. خوشا بحال زحمت کشان برای عدالت زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند و به خاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمائید زیرا اجر شما در آسمان

عظیم است زیرا که به همین طور بر انبیای قبل از شما جفا می رسانیدند.»
(انجیل مئی 3:5 - 12)

« بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد و نه به من فقط بلکه نیز به همه کسانی که ظهور او را دوست می دارند.»
(دوم تیموتاوس 8:4)

دعاها و اعترافات مثبت خود شما

43

سلامتی و قوت

« آیا ندانسته و نشنیده ای که خدای سرمدی، یهوه آفریننده اقصای زمین در مانده و خسته نمی شود و فهم او را تفحص نتوان کرد؟ ضعیفان را قوت میبخشد و ناتوانان را قدرت زیاده عطا می نماید. حتی جوانان هم در مانده و خسته می گردند و شجاعان به کلی می افتند. اما آنانی که منتظر خداوند میباشند، قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد، خواهند دوید و خسته نخواهند شد. خواهند خرامید و در مانده خواهند گردید.»
(اشعیا 40 : 28-31)

« قوت خداوند در ضعف من کامل می گردد، پس هنگامی که ضعیف هستم، در واقع قوی هستم.» (بر اساس دوم قرن تیان 12 : 9-10)

« عادل مثل درخت خرما خواهد شکفت و مثل سرو آزاد در لبنان نمو خواهد کرد. آنانی که در خانه خداوند غرس شده اند، در صحنهای خدای ما خواهند شکفت. در وقت پیری نیز میوه خواهند آورد و تر و تازه و سبز خواهند بود، تا اعلام کنند که خداوند راست است او صخره من است و در وی هیچ بی انصافی نیست.»
(مزبور 92 : 12-15)

« و اما من دائماً امیدوار خواهم بود و بر همه تسبیح تو خواهم افزود. زبانم عدالت تو را بیان خواهم کرد و نجاتت را تمامی روز زیرا که حدّ شماره آن را نمی دانم. در توانایی خداوند یهوه خواهم آمد و از عدالت تو و بس خبر خواهم داد. ای خدا از طفولیت مرا تعلیم داده ای و تا الآن عجایب تو را اعلان کرده ام و جمیع آیندگان را از توانایی تو.»
(مزبور 71 : 14-18 *)

44

« ای پسر من این چیزها از نظر تو دور نشود. حکمت کامل و تمیز را نگه دار. پس برای جان تو حیات و برای گردنت زینت خواهد بود. آنگاه در راه خود به امنیت سالک خواهی شد و پایت نخواهد لغزید. هنگامی که بخوابی نخواهی ترسید و چون دراز شوی خوابت شیرین خواهد شد. از خوف ناگهان نخواهی ترسید و نه از خرابی شریران چون واقع شود. زیرا خداوند اعتماد تو خواهد بود و پای تو را از دام حفظ خواهد نمود.»
(امثال 3 : 21-26)

« قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می بخشد.»
(فیلیپیان 4 : 13)

« خداوند قوم خود را قوت خواهد بخشید. خداوند قوم خود را به سلامتی مبارك خواهد نمود.» (مزبور 29:11)

« خداوند را به قوت توصیف نمایید، جلال وی بر اسرائیل است و قوت او در افلاک»
(مزبور 35:68)

« ای پسر من به سخنان من توجه نما و گوش خود را به کلمات من فراگیر. آنها از نظر تو دور نشود. آنها را در اندرون دل خود نگاه دار. زیرا هر که آنها را بیابد برای او حیات است و برای تمامی جسد او شفا می باشد. دل خود را به حفظ تمام نگاه دار زیرا که مخرج های حیات از آن است.» (امثال 4 : 20-23)

45

« اما خداوند روح است و جایی که روح خداوند است، آنجا آزادی است. لیکن همه ما چون با چهره بی نقاب جلال خداوند را در آینه می نگریم از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می شویم چنانکه از خداوند که روح است.»
(دوم قرن تیان 3 : 17-18)

« اینك من فرشته ای پیش روی تو می فرستم تا تو را در راه محافظت نموده بدان مکانی که مهیا کرده ام برساند. از او با حذر باش و آواز او را بشنو و از او تمرّد منما. زیرا گناهان شما را نخواهد آمرزید چونکه نام من در اوست و اگر قول او را شنیدی و به آنچه گفته ام عمل نمودی هر آینه دشمن دشمنانت و مخالف مخالفانت خواهم بود. زیرا فرشته من پیش روی تو می رود و تو را به اموریان و حثیان و فرزریان و کنعانیان و حویان و یبوسیان خواهد رسانید و ایشان را هلاك خواهم ساخت. خدایان ایشان را

47

سجده منما و آن ها را عبادت مکن و موافق کارهای ایشان مکن البته آنها را منهدم ساز و بتهای ایشان را بشکن و یهوه خدای خود را عبادت نمایند تا نان و آب تو را برکت دهد و بیماری را از میان تو دور خواهم کرد و در زمینت سقط کننده و نازاد نخواهد بود و شماره روزهایت را تمام خواهم کرد و خوف خود را پیش روی تو خواهم فرستاد و هر قومی را که بدیشان بررسی متحیر خواهم ساخت و جمیع دشمنانت را پیش تو روگردان خواهم ساخت.»
(خروج 23: 20-27)

« اگر خداوند خانه را بنا نکند بنیانش زحمت بی فایده می کشند. اگر خداوند شهر را پاسبانی نکند، پاسبانان بی فایده پاسبانی می کنند. » (مزمور 127:1)

« به تمامی دل خود بر خداوند توکل می نمایم و بر عقل خود تکیه نمی کنیم. در همه راههای خود او را می شناسیم و او طریقه هایمان را راست خواهد گردانید. خود را حکیم نمی پنداریم. از خداوند می ترسیم و از بدی اجتناب می کنیم. این برای ناف ما شفا و برای استخوانهایمان مغز خواهد بود.» (امثال 3: 5-8)

« نمی میرم بلکه زیست خواهم کرد و کارهای یاه را ذکر خواهم نمود.»
(مزمور 118: 17)

« این کتاب تورات از دهان تو دور نشود بلکه روز و شب در آن تفکر کن تا بر حسب هر آنچه در آن مکتوب است متوجه شده عمل نمایی زیرا همچنین راه خود را فیروز خواهی ساخت و همچنین کامیاب خواهی شد. آیا تو را امر نکردم؟ پس قوی و دلیر باش. مترس و هراسان مباش زیرا در هر جا که بروی، یهوه خدای تو با تو است.»
(یوشع 1: 8-9)

48

« خداوند نیکو است و در روز تتگی ملجا می باشد و متوکلان خود را می شناسد.»
(ناحوم 1: 7)

« ای یاه، خوشا بحال شخصی که او را تأدیب می نمایی و از شریعت خود او را تعلیم می دهی. تا او را از روزهای بلا راحت بخشی مادامی که حفره برای شیران کنده شود.»

46

هدایت ، حمایت، محافظت

« خداوند تو را از هر بدی نگاه می دارد او جان مرا حفظ خواهد کرد. خداوند خروج و دخول مرا نگاه خواهد داشت از الآن و تا ابدالآباد. آن راه را هیچ مرغ شکاری نداند و چشم شاهین آن را ندیده است و جانوران درنده بر آن قدم نزده اند و شیر غران بر آن گذر نکرده ... از چشم تمامی زندگان پنهان است و از مرغان هوا مخفی می باشد.»
(مزمور 121: 7-8 * و ایوب 28: 7-8 و 21)

« خداوند نور من و نجات من است از که بترسم؟ خداوند ملجای جان من است از که هراسان شوم؟ چون شیران بر من نزدیک آمدند تا گوشت مرا بخورند یعنی خصمان و دشمنانم ایشان لغزیدند و افتادند. اگر لشکری بر من فرود آید دلم نخواهد ترسید. اگر جنگ بر من برپا شود در این نیز اطمینان خواهم داشت. يك چیز از خداوند خواستم و آن را خواهم طلبید که تمام ایام عمرم در خانه خداوند ساکن باشم تا جمال خداوند را مشاهده کنم و در هیکل او تفکر نمایم. زیرا که در روز بلا مرا در سایبان خود نهفته در پرده خیمه خود مرا مخفی خواهد داشت و مرا بر صخره بلند خواهد ساخت و الآن سرم بر دشمنانم گرداگردم برافراشته خواهد شد. قربانی های شادکامی را در خیمه او خواهم گذرانید و برای خداوند سرود و تسبیح خواهم خواند.»

(مزمور 27: 1-6)

« مترسید زیرا که من با شما هستم و مشوئش مشوید زیرا من خدای شما هستم. شما را تقویت خواهم نمود و البته شما را معاونت خواهم داد و شما را به دست راست عدالت خود دستگیری خواهم کرد.» (اشعیاء 41: 10*)

« فکری را که برای شما دارم می دانم که فکرهای سلامتی می باشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید بخشم.» (ارمیا 29: 11)

« بر من سخت هجوم آوردی تا بیفتم لیکن خداوند مرا اعانت نمود. خداوند قوت و سرود من است و نجات من شده است. آواز ترنم و نجات در خیمه های عادلان است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می کند، دست راست خداوند متعال است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می کند. نمی میرم بلکه زیست خواهم کرد و کارهای یاه را ذکر خواهم نمود. یاه مرا به شدت تنبیه نموده لیکن مرا به موت نسپرده است.» (مزمور 118: 13-18)

« و اما خدا طریق او کامل است و کلام خداوند مصفی. او برای همه متوکلان خود سپر است.» (مزمور 18: 30)

49

« از رافتهای خداوند است که تلف نشدیم زیرا که رحمتهای او بی زوال است. آنها هر صبح تازه می شود و امانت تو بسیار است و جان من می گوید که خداوند نصیب من است بنابراین بر او امیدوارم. خداوند به جهت کسانی که بر او توکل دارند و برای آنانی که او را می طلبند نیکو است، خوب است که انسان امیدوار باشد و با سکوت انتظار نجات خداوند را بکشد. (مراثی ارمیا 3: 22-26)

« و خداوند مرا از هر کار بد خواهد رهانید و تا به ملکوت آسمانی خود نجات خواهد داد. او را تا ابدالآباد جلال باد. آمین» (دوم تیموتاوس 4: 18)

« و همه متوکلانت شادی خواهند کرد و تا ابد ترنم خواهند نمود زیرا که ملجای ایشان تو هستی و آنانی که اسم تو را دوست می دارند در تو وجد خواهند نمود. زیرا تو ای خداوند مرد عادل را برکت خواهی داد. او را به رضامندی مثل پسر احاطه خواهی نمود.» (مزمور 11: 12-15)

دعاها و اعترافات مثبت خود شما

50

مداخله خدا در امور انسانی

« و دانیال متکلم شده گفت اسم خدا تا ابد الابد متبارك باد زیرا که حکمت و توانایی از آن وی است و او وقتها و زمانها را تبدیل می کند و پادشاهان را معزول می نماید و پادشاهان را نصب می کند حکمت را به حکیمان می بخشد و فطانت پیشگان را تعلیم می دهد. اوست که چیزهای عمیق و پنهان را کشف می نماید به آنچه در ظلمت است عارف می باشد و نور نزد وی ساکن است ... زیرا که سلطنت او سلطنت جاودانی و ملکوت او تا ابدالآباد است و جمیع ساکنان جهان هیچ شمرده می شوند و با جنود آسمان و سکنه جهان بر وفق اراده خود عمل می نمایند و کسی نیست که دست او را باز دارد یا او را بگوید گه چه می کنی.»

((دانیال 2: 20-22 و 34 و 35))

« زیرا که محض فیض نجات یافته اید به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند. زیرا که صنعت او هستیم آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوك نماییم.» (افسیان 2: 8-10)

« رحمتهای خود را امتیاز ده ای که متوکلان خویش را به دست راست خود از مخالفان ایشان می رهانی. مرا مثل مردمک چشم نگاه دار. مرا زیر سایه بال خود پنهان کن از روی شریرانی که مرا خراب می سازند، از دشمنان جانم که مرا احاطه میکنند.» (مزمور 7: 9-17)

« ای خداوند نصرت دادن به زورآوران یا به بیچارگان نزد تو یکسان است پس ای یهوه خدای ما، ما را اعانت فرما زیرا که بر تو توکل می داریم و به اسم تو به مقابله این 51

گروه عظیم آمده ایم. ای یهوه تو خدای ما هستی پس مگذار که انسان بر تو غالب آید.» (دوم تواریخ 14: 12)

« ای یهوه خدای پدران ما آیا تو در آسمان خدا نیستی و آیا تو بر جمیع ممالك امثها سلطنت نمی نمایی و در دست تو قوت و جبروت است و کسی نیست که با تو مقاومت تواند نمود.»
(دوم تواربخ 20: 6)

« اسیران را به خاطر می آوریم مثل همزندان ایشان و مظلومان را چون ما نیز در جسم هستیم.»
(عبرانیان 13: 3*)

« و به فرشته کلیسای در فیلادلفیه بنویس که این را می گوید آن قدّوس و حقّ که کلید داود را دارد که می گشاید و هیچ کس نخواهد بست و می بندد و هیچ کس نخواهد گشود. اعمال تو را می دانم، اینک دری گشاده پیش روی تو گذارده ام که کسی آن را نتواند بست زیرا اندک قوتی داری و کلام مرا حفظ کرده اسم مرا انکار ننمودی.»
(مکاشفه 3: 7-8)

« خجل و برگردانیده شوند همه کسانی که از صهیون نفرت دارند. مثل گیاه بر پشت بام ها باشند که پیش از آنکه آن را بچینند، می خشکد.»
(مزمور 129: 5 و 6)

« ای خداوند آنها را هلاک کن و زبانهایشان را تفریق نما ... »
(مزمور 9: 55)

52

« زیرا که عصای شریران بر نصیب عادلان قرار نخواهد گرفت ... »
(مزمور 125: 3)

« ای جمیع حلیمان زمین که احکام او را به جای می آورید عدالت را بطلبید و تواضع را بجوئید. شاید که در روز خشم خداوند مستور شوید.»
(صفنیا 2: 3)

« زیرا خداوند به خاطر نام عظیم خود قوم خود را ترك نخواهد نمود چونکه خداوند را پسند آمد که شما را برای خود قومی سازد.»

(اول سموئیل 12: 22)

« تمامی اهل زمین از خداوند بترسند، جمیع سکنه ربع مسکون از او بترسند. زیرا که او گفت و شد. او امر فرمود و قائم گردید. خداوند مشورت امثها را باطل می کند. تدبیرهای قبایل را نیست می گرداند. مشورت خداوند قائم است تا ابدالآباد. تدابیر قلب او تا دهر الدهور. خوشا بحال امّی که یهوه خدای ایشان است و قومی که ایشان را برای میراث خود برگزیده است.»

(مزمور 33: 8-12)

« اگر خداوند با ما نمی بود، اسرائیل الآن بگوید اگر خداوند با ما نمی بود وقتی که آدمیان با ما مقاومت نمودند، آنگاه هر آینه ما را زنده فرو می بردند چون خشم ایشان بر ما افروخته بود. آنگاه آبها ما را غرق می کرد و نهرها بر جان ما می گذشت. آنگاه آبهای پر زور از جان ما می گذشت. آنگاه آبهای پر زور از جان ما می گذشت. متبارک باد خداوند که ما را شکار برای دندانهای ایشان ساخت. جان ما مثل مرغ از 53

دام صیادان خلاص شد. دام گسسته شد و ما خلاصی یافتیم. اعانت ما به نام یهوه است که آسمان و زمین را آفرید.»
(مزمور 124)

دعاها و اعترافات مثبت خود شما

54

آزمایش و امتحان

« لیکن شکر خدا راست که ما را به واسطه خداوند ما عیسی مسیح ظفر می دهد. بنابر این ای برادران حبیب من، پایدار و بی تشویش شده پیوسته در عمل خداوند بیفزایید چون می دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست. »
(اول قرنثیان 15: 57-58)

« پس خدا را اطاعت نمایید و با ابلیس مقاومت کنید تا از شما بگریزد.»

(یعقوب) 4:7

« و از این جهت همه زحمات را به خاطر برگزیدگان متحمل می شوم تا ایشان نیز نجاتی را که در مسیح عیسی است با جلال جاودانی تحصیل کنند. این سخن امین است زیرا اگر با وی مریدیم با او زیست خواهیم کرد. و اگر تحمل کنیم با او سلطنت هم خواهیم کرد و هرگاه او را انکار کنیم او نیز ما را انکار خواهد کرد. اگر بی ایمان شویم، او امین می ماند زیرا خود را انکار نمی تواند نمود.»

(دوم تیموتاؤس) 2:10-13

« متبارك باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که به حسب رحمت عظیم خود ما را به وساطت برخاستن عیسی مسیح از مردگان از نو تولید نمود برای امید زنده. به جهت میراث بی فساد و بی آلاش و ناپژمرده که نگاه داشته شده است در آسمان برای شما که به قوت خدا محروس هستید به ایمان برای نجاتی که مهیا شده است تا در ایام آخر ظاهر شود و در آن وجد می نمایید هر چند در حال اندکی از راه ضرورت در تجربه های گوناگون محزون شده اید تا آزمایش ایمان شما که از طلای فانی با آزموده شدن در آتش گرانبهاتر است برای تسبیح و جلال و اکرام یافت شود در حین ظهور عیسی مسیح که او را اگر چه ندیده اید محبت می نمایید و الآن اگر چه او را نمی بینید لکن

55

بر او ایمان آورده وجد می نمایید با خرمی ای که نمی توان بیان کرد و پر از جلال است و انجام ایمان خود یعنی نجات جان خویش را می یابید.»

(اول پطرس 1:3-9)

« هرگاه خدا با ما است، کیست به ضدّ ما؟ او که پسر خود را دریغ نداشت بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود چگونه با وی همه چیز را به ما نبخشید. کیست که بر برگزیدگان خدا مدّعی شود آیا خدا که عادل کننده است؟ کیست که بر ایشان فتوی دهد آیا مسیح که مرد بلکه نیز برخاست، آن که بدست راست خدا هم هست و ما را نیز شفاعت می کند؟ کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت یا دلتنگی یا جفا یا قحط یا عریانی یا خطر یا شمشیر؟ چنانکه مکتوب است که بخاطر تو تمام روز گشته و مثل گوسفندان ذبحی شمرده می شویم. بلکه در همه این امور از حدّ زیاده نصرت یافتیم بوسیله او که ما را محبت نمود. زیرا یقین می دانم که نه موت و نه حیات و نه فرشتگان و نه رؤسا و نه قدرتها و نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده و نه بلندی و نه پستی و نه هیچ مخلوق دیگر قدرت خواهد داشت که ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است جدا سازد.»

(رومیان 8:31-39)

57

جنگ روحانی

« ای برادران من وقتی که در تجربه های گوناگون مبتلا شوید، کمال خوشی دانید. چون که می دانید که امتحان ایمان شما صبر را پیدا می کند لکن صبر را عمل تام خود باشد تا کامل و تمام شوید و محتاج هیچ چیز نباشید.»
(یعقوب 1:2-4)

« خداوند را در هر وقت متبارك خواهیم گفت. تسبیح او دانمأ بر زبان من خواهد بود. جان من در خداوند فخر خواهد کرد مسکینان شنیده شادی خواهند نمود. خداوند را با

56

من تکبیر نمایید. نام او را با یکدیگر بر افزایش. چون خداوند را طلبیدم مرا مستجاب فرمود و مرا از جمیع ترسهایم خلاصی بخشید.»

(مزمور 34:1-4)

« مبارك باد کسی که بر خداوند توکل دارد و خداوند اعتماد او باشد. او مثل درخت نشانده بر کنار آب خواهد بود که ریشه های خویش را به سوی نهر پهن می کند و چون گرما بیاید، نخواهد ترسید و برگش شاداب خواهد ماند و در خشکسالی اندیشه نخواهد داشت و از آوردن میوه باز نخواهد ماند.»

(ارمیا 17:8-7)

دعاها و اعترافات مثبت خود شما

« زیرا خدا با متکبران مقاومت می کند و فروتنان را فیض می بخشد. پس خود را زیر دست زورآور خدا فروتنی بنمائیم تا ما را در وقت معین سرافراز نماید و تمام اندیشه خود را به او

و اگذاریم زیرا که او برای ما فکر می کند. هوشیار و بیدار باشیم زیرا که دشمن ما ابلیس مانند شیر غرآن گردش می کند و کسی را می طلبد تا ببلعد. پس به ایمان استوار شده با او مقاومت کنیم چون آگاه هستیم که همین زحمات بر برادران ما که در دنیا هستند، می آید و خدای همه فیضها که ما را به جلال ابدی خود در عیسی مسیح خوانده است شما را بعد از کشیدن زحمتی قلیل کامل و استوار و توانا خواهد ساخت. او را تا ابدالآباد جلال و توانایی باد. آمین.»

(اول پطرس 5: 11-5*)

« زیرا هر چند در جسم رفتار می کنیم ولی به قانون جسمی جنگ نمی نماییم. زیرا اسلحه جنگ ما جسمانی نیست بلکه نزد خدا قادر است برای انهدام قلعه ها که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می افرازد به زیر می افکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر می سازیم. » (دوم قرنتیان 5: 10-3)

« ما به وساطت خون بره و کلام شهادت خود بر او غالب می آییم و جان خود را دوست نمی داریم. » (مکاشفه 11: 12*)

« نعلین تو از آهن و برنج است و مثل روزهایت همچنان قوت تو خواهد بود. ای یشورون مثل خدا کسی نیست که برای مدد تو بر آسمانها سوار شود و در کبریای خود

58

بر افلاک، خدای ازلی مسکن تو است و در زیر تو بازوهای جاودانی است و دشمن را از حضور تو اخراج کرده می گوید هلاک کن.» (تثنیه 27-25: 33)

« هر آلتی که به ضد ما ساخته شود پیش نخواهد برد و هر زبانی را که برای محاکمه به ضد ما برخیزد تکذیب خواهیم نمود. این است نصیب ما به عنوان بندگان خداوند و عدالت ما از جانب تو ای خدای لشکرها... » (اشعیا 54: 17*)

« ای خداوند با خصمان من مخاصمه نما و جنگ کن با آنانی که با من جنگ می کنند. سپر و مجن را بگیر و به اعانت من برخیز و نیزه را راست کن و راه را پیش روی جفا کنندگانم ببند و به جان من بگو من نجات تو هستم.» (مزمور 35: 1-3*)

دعاها و اعترافات مثبت خود شما

59

رهایی کامل

« الآن او را که قادر است که شما را از لغزش محفوظ دارد و در حضور جلال خود شما را بی عیب به فرحی عظیم قایم فرماید یعنی خدای واحد و نجات دهنده ما را جلال و عظمت و توانایی و قدرت باد الآن و تا ابدالآباد. آمین. (یهودا 25-24)

« ای جان من خداوند را متبارک بخوان و هرچه در درون من است نام قدّوس او را متبارک خواند. ای جان من خداوند را متبارک بخوان و جمیع احسان های او را فراموش مکن که تمام گناهانت را می آمرزد و همه مرض های تو را شفا میبخشد که حیات تو را از هاویه فدیة می دهد و تاج رحمت و رأفت را بر سر تو می نهد که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می کند تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود.» (مزمور 103: 1-5)

« دعای ما این است که خدای خداوند ما عیسی مسیح که پدر ذوالجلال است روح حکمت و کشف را در معرفت خودت به ما عطا فرماید تا چشمان دل ما روشن گشته بدانیم که امید دعوت او چیست و کدام است دولت جلال میراث او در مقدّسین و چه مقدار است عظمت بی نهایت قوت او نسبت به مؤمنین بر حسب عمل توانایی قوت او که در مسیح عمل کرد چون او را از مردگان برخیزانید و به دست راست خود در جایهای آسمانی نشانید. بالاتر از هر ریاست و قدرت و قوت و سلطنت و هر نامی که خوانده می شود نه در این عالم فقط بلکه در عالم آینده نیز و همه چیز را زیر پایهای او نهاد و او را سر همه چیز به کلیسا داد که بدن او است یعنی پری او که همه را در همه پر می سازد.» (افسیان 1: 17-23*)

60

« چونکه به این اعتماد داریم که او که عمل نیکو را در ما شروع کرد آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید.» (فیلیپیان 6: 1*)

« پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند. زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و موت آزاد گردانید.» (رومیان 8: 2-1)

« از آن رو که به يك قربانی ما مقدّسان را کامل گردانیده است تا ابدالآباد.»
(عبرانیان 14: 10*)

« من به وسیله قربانی عسی بر روی صلیب از لعنت شریعت فدا شده ام تا وارد برکت ابراهیم که خدا او را در همه چیز برکت داد، شوم.»
(بر اساس غلاطیان 13: 14-14 و پیدایش 24: 1)

« ملاحظه کنید چه نوع محبّت پدر به ما داده است تا فرزندان خدا خوانده شویم و چنین هستیم و از این جهت دنیا ما را نمی شناسد زیرا که او را نشناخت. ای حبیبان الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود لکن می دانیم که چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید و هر کس که این امید را بر وی دارد، خود را پاك می سازد چنانکه او پاك است.»
(اول یوحنا 3: 1-3)

« و ما دانسته و باور کرده ایم آن محبّتی را که خدا با ما نموده است. خدا محبّت است و هر که در محبّت ساکن است، در خدا ساکن است و خدا در وی.»
(اول یوحنا 4: 16)

61

« لکن ما غسل یافته و مقدّس گردیده و عادل کرده شده ایم به نام عیسی خداوند و به روح خدای ما.» (اول قرنّیان 11: 6*)

« پس خدای سلامتی که شبان اعظم گوسفندان یعنی خداوند ما عیسی را به خون عهد ابدی از مردگان برخیزانید ما را در هر عمل نیکو کامل گرداناد تا اراده او را به جا آوریم آنچه منظور نظر او باشد در ما به عمل آورد به وساطت عیسی مسیح که او را تا ابد الابد جلال باد. آمین.»

(عبرانیان 13: 20-21*)

دعاها و اعترافات مثبت خود شما

63

« زیرا خدا روح جین را به ما نداده است بلکه روح قوّت و محبّت و تأدیب را.»
(دوم تیموتاوس 7: 1)

« الآن خدای امید شما را از کمال خوشی و سلامتی در ایمان پر سازد تا به قوّت روح القدس در امید افزوده گردید.» (رومیان 15: 13)

62

ثبات فکری و احساسی

« ای خداوند ما زحمت کش و گرانبار هستیم ولی نزد تو می آییم تا که ما را آرامش ببخشی. ما یوغ تو را بر خود می گیریم و از تو تعلیم می یابیم زیرا که تو حلیم و افتاده دل می باشی و ما در نفوس خود آرامی خواهیم یافت. زیرا یوغ تو خفیف و بار تو سبک است.»
(مئی 11: 28-30*)

« پس برای قوم خدا آرامی سبّت باقی می ماند. زیرا هر که داخل آرامی او شد، او نیز از اعمال خود بیارامید چنانکه خدا از اعمال خویش. پس جدّ و جهد بکنیم تا به آن آرامی داخل شویم مبادا کسی در آن نافرمانی عبرت آمیز بیفتد.»
(عبرانیان 4: 9-11)

« مرا در سلامتی کامل نگاه خواهی داشت زیرا که به تو فکر می کنم و بر تو توکل دارم.»
(اشعیاء 26: 3*)

« من آرامشی عظیم دارم چون شریعت تو را دوست دارم و هیچ چیز باعث لغزش من نخواهد شد.» (مزمور 119: 165*)

« اسلحه جنگ من در خدا قادر است. من به وسیله آن قلعه هایی را که شیطان در فکر من ساخته منهدم می کنم. من همه افکار خود را به اطاعت مسیح وا میدارم. سه نمونه از قویترین اسلحه های من عبارتند از: اعتراف مثبت، شکرگزاری و ستایش.»
(براساس دوم قرنّیان 4: 10-5)

« ما برای هیچ چیز اندیشه نمی کنیم بلکه در همه چیز با صلوه و دعا با شکرگزاری مسئولیات خود را به خدا عرض می کنیم و سلامتی خدا که فوق از تمامی عقل است دلها و ذهنهای ما را در مسیح عیسی نگاه می دارد. خلاصه ای برادران، هر چه راست باشد و هر چه مجید و هر چه عادل و هر چه پاک و هر چه جمیل و هر چه نیک نام است و هر فضیلت و مدحی که بوده باشد در آنها تفکر می کنیم.»
(فیلیپیان 4: 6-8 *)

دعاها و اعترافات مثبت خود شما

64

خدمت به خدا

« لیکن شکر خدا راست که ما را در مسیح دائماً در موکب ظفر خود می برد و عطر معرفت خود را در هر جا به وسیله ما ظاهر می کند. زیرا خدا را عطر خوشبوی مسیح می باشیم. هم در ناجیان و هم در هالکان. اما اینها را عطر موت الی موت و آنها را عطر حیات الی حیات و برای این امور کیست که کافی باشد. زیرا مثل بسیاری نیستیم که کلام خدا را مغشوش می سازیم بلکه از ساده دلی و از جانب خدا در حضور خدا سخن می گوئیم.»
(دوم قرنتیان 2: 14-17)

« خدا قادر است که بکند بی نهایت زیادتیر از هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم به حسب آن قوتی که در ما عمل می کند.» (افسیان 3: 20 *)

« خدا قادر است که هر نعمتی را برای ما بیفزاید تا همیشه در هر امری کفایت کامل داشته برای هر عمل نیکو افزوده شویم.» (دوم قرنتیان 9: 8 *)

« باز به شما می گویم هرگاه دو نفر از شما در زمین درباره هر چه که بخواهند متفق شوند، هر آینه از جانب پدر من که در آسمان است برای ایشان کرده خواهد شد.»
(انجیل متی 18: 19)

« حصاد فراوان است لیکن عمله کم پس از صاحب حصاد استدعا می کنیم تا عمل در حصاد خود بفرستد.» (انجیل متی 37: 9 *)

65

« و به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امثها شهادتی شود آنگاه انتها خواهد رسید.» (انجیل متی 24: 14)

« چنانکه باران و برف از آسمان می بارد و به آنجا بر نمی گردد بلکه زمین را سیراب کرده آن را بارور و برومند می سازد و برزگر را تخم و خورنده را نان میبخشد. همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود نزد من بی ثمر نخواهد برگشت بلکه آنچه را که خواستم به جا خواهم آورد و برای آنچه آن را فرستادم کامران خواهم گردید.»
(اشعیا، 55: 10-11)

« ما قوی و دلیر خواهیم بود و مشغول شده و ترسان و هراسان نخواهیم شد زیرا یهوه خدا که خدای ما می باشد با ما است و تا همه کار خدمت خانه خداوند تمام نشود، ما را و نخواهد گذاشت و ما را ترك نخواهد نمود.»
(اول تواریخ 28: 20 *)

« ما نجات خود را به ترس و لرز به عمل می آوریم زیرا خداست که در ما برحسب رضامندی خود هم اراده و هم فعل را به عمل ایجاد میکند و هر کاری را بدون همه و مجادله می کنیم تا بی عیب و ساده دل و فرزندان خدا بی ملامت باشیم در میان قومی کج رو و گردنکش که در آن میان چون نیرها در جهان میدرخشیم و کلام حیات را بر می افرازیم.»
(فیلیپیان 2: 12-16 *)

«بیدار شویم، در ایمان استوار باشیم و مردان زور آور باشیم و زور آور شویم. جمیع کارهای ما با محبت باشد.» (اول قرنتیان 13: 14-16 *)

66

« اما آنچه مرا سود می بود، آن را به خاطر مسیح زیان دانستم بلکه همه چیز را نیز به سبب فضیلت و معرفت خداوند خود مسیح عیسی زیان می دانم که به خاطر او همه چیز را زیان کردم و فضلش شمردم تا مسیح را دریابم و در وی یافت شوم نه با عدالت خود که از شریعت است بلکه با آن که به وسیله ایمان مسیح می شود یعنی عدالتی که از خدا برایمان است و تا او را و قوت قیامت وی را و شراکت در رنجهای وی را بشناسم و با موت او مشابه گردم. مگر به هر وجه به قیامت از مردگان برسم نه اینکه تا بحال به چنگ آورده یا تا بحال کامل شده باشم ولی در پی آن می کوشم بلکه شاید آن را به دست آورم که برای آن مسیح نیز مرا به دست آورد. ای برادران، گمان نمی برم که من به دست آورده ام لیکن يك چیز میکنم که

مبادله ای که بر صلیب انجام شد

- عیسی مجازات شد تا ما بخشیده شویم.¹
 عیسی زخمی شد تا ما شفا یابیم.²
 عیسی با گناهکاری ما گناه شد تا ما با عدالت او عادل شویم.³
 عیسی به جای ما مرد تا ما از حیات او برخوردار شویم.⁴
 عیسی متحمل لعنت شد تا ما بتوانیم وارد برکت شویم.⁵
 عیسی متحمل فقر ما شد تا ما در فراوانی او سهیم گردیم.⁶
 عیسی شرم ما را بر خود گرفت تا ما در جلال او سهیم شویم.⁷
 عیسی طرد شدگی ما را بر خود گرفت تا ما با پذیرش او در حضور پدر پذیرفته شویم.⁸
 عیسی طعم مرگ را چشید تا ما تا ابد به خدا بپیونددیم.⁹
 انسانیت کهنه ما در او مرد تا انسانیت جدید در ما آغاز زندگی کند.¹⁰

- 1 - اشعیا 53: 4-5
- 2 - همان
- 3 - اشعیا، 53: 10 و دوم قرننتیان 5: 21
- 4 - عبرانیان 2: 9
- 5 - غلاطیان 3: 13-14
- 6 - دوم قرننتیان 8: 9 و 8: 9
- 7 - متی 27: 35-36 و عبرانیان 12: 2 و 2: 9
- 8 - متی 27: 46-61 و افسسیان 1: 5-6
- 9 - اشعیا، 53: 8 و اول قرننتیان 6: 17
- 10 - رومیان 6: 6 و کولسیان 3: 9-10

69

فدیه شدگان بگویند¹

بدن من هیکل روح القدس است² خریده شده³، پاک شده⁴ و تقدیس شده توسط خون عیسی.⁵
 اعضای من، یعنی قسمت‌های بدن من آلات عدالت⁶ هستند که برای خدمت خدا و جلال او به وی تسلیم شده اند.
 شریر هیچ جایی در من ندارد و هیچ قدرت و ادعایی بر من ندارد. خون مسیح جواب همه آنهاست.⁷
 من با خون برّه و با کلام شهادت خود بر شیطان غالب می آیم و جان خود را دوست ندارم.⁸

آنچه در عقب است فراموش کرده و به سوی آنچه در پیش است، خویشتن را کشیده در پی مقصد می کوشم به جهت انعام دعوت بلند خدا که در مسیح عیسی است.»
 (فیلیپیان 3: 7-14)

« ولی تو ای مرد خدا از اینها بگریز و عدالت و دینداری و ایمان و محبت و صبر و تواضع را پیروی نما و جنگ نیکوی ایمان را بکن و به دست آور آن حیات جاودانی را که برای آن دعوت شدی و اعتراف نیکو کردی در حضور گواهان بسیار. تو را وصیت می کنم به حضور آن خدایی که همه را زندگی می بخشد و مسیح عیسی که در پیش پنطیوس پیلطس اعتراف نیکو نمود که تو وصیت را بی داغ و ملالت حفظ کن تا به حضور خداوند ما عیسی مسیح. که آن را آن متبارک و قادر وحید و ملک الملوك و رب الارباب در زمان معین به ظهور خواهد آورد که تنها لایموت و ساکن در نوری است که نزدیک آن نتوان شد و احدی از انسان او را ندیده و نمی تواند دید او را تا ابدالآباد اکرام و قدرت باد. آمین.»
 (اول تیموتاوس 6: 11-16)

67

« پس چون با مسیح برخیزانیده شدیم آنچه را که در بالا است می طلبیم در آنجایی که مسیح است به دست راست خدا نشسته. در آنچه بالا است تفکر می کنیم نه در آنچه بر زمین است. زیرا که مردیم و زندگی ما با مسیح در خدا مخفی است. چون مسیح که زندگی ما است ظاهر شود. آنگاه ما هم با وی در جلال ظاهر خواهیم شد.»
 (کولسیان 3: 1-4 *)

« با مسیح مصلوب شده ام ولی زندگی می کنم لیکن نه من بعد از این بلکه مسیح در من زندگی می کند و زندگانی که الحال در جسم می کنم به ایمان بر پسر خدا می کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد.»
 (غلاطیان 2: 20)

« لکن عادل به ایمان زیست خواهد نمود و اگر مرتد شود نفس من با وی خوش نخواهد شد. لکن ما از مرتدان نیستیم تا هلاک شویم بلکه از ایمانداران تا جان خود را در یابیم.»
 (عبرانیان 10: 38-39)

دعاها و اعترافات مثبت خود شما

جسم من برای خداوند است و خداوند برای جسم من.⁹
آمین

- 1 - مزمو 107: 2
- 2 - اول قرن‌تیا 6: 19
- 3 - افسسیان 1: 7
- 4 - اول یوحنا 1: 7
- 5 - عبرانیان 12: 13
- 6 - رومیان 6: 13
- 7 - رومیان 3: 23-25 و 8: 33-34
- 8 - مکاشفه 12: 11
- 9 - اول قرن‌تیا 6: 13

مطلبی در مورد نویسنده

درك پرنس از والدین بریتانیایی خود در هندوستان متولد شد. او به عنوان محقق در رشته های زبان یونانی و لاتین در دو مؤسسه آموزشی بسیار مهم انگلستان یعنی کالج ایتون و دانشگاه کمبریج تحصیل کرد. وی در فاصله سالهای 1940 تا 1949، یکی از اساتید فلسفه قدیم و جدید کالج کینگ کمبریج بود. او همچنین در رشته های زبان عبری و آرامی در دانشگاه عبری زبان اورشلیم تحصیل کرد. وی علاوه بر اینها به چند زبان پیشرفته دیگر نیز صحبت می کند.

در سالهای اولیه جنگ جهانی دوم، هنگامی که به عنوان پرستار در ارتش انگلستان خدمت می کرد، زندگی او در اثر ملاقات با عیسی مسیح متحول شد که در خصوص آن ملاقات چنین می نویسد:

« من در اثر این ملاقات به دو نتیجه رسیدم که از آن زمان تاکنون هرگز دلیلی بر تغییر دادن آن نیافته ام. اول اینکه عیسی مسیح زنده است. دوم اینکه، کتاب مقدس کتابی واقعی، متناسب با شرایط و همیشه زنده است. این دو نتیجه، مسیر زندگی مرا به گونه ای بنیادین و دائمی عوض کرد.»

در پایان جنگ جهانی دوم او در اورشلیم، جایی که ارتش وی را قرار داده بود، باقی ماند. در ازدواج با همسر اول خود- لیدیا- پدر هشت دختر خوانده پرورشگاه کوچک او در آنجا شد. در زمانی که لیدیا و درك در کشور کنیا تعلیم می دادند، نهمین دختر خود را که نوزادی آفریایی بود، به فرزند قبول کردند. لیدیا در سال 1975 فوت کرد و درك در سال 1978 با روت بیکر ازدواج کرد. آنها به مدت بیست سال با هم در جهان سفر کردند و حقیقت خدا را آشکار نموده، نبوتهای کلام او را در مورد وقایع جهان با استناد به کتاب مقدس شرح میدادند. روت پرنس در دسامبر سال 1998 نزد خداوند رفت.

خدمت غیر فرقه ای و غیر نژادی درك پرنس راه تعلیمات او را به سوی عده بسیاری از مردم با زمینه های نژادی و مذهبی گوناگون باز کرد و او را به عنوان یکی از مفسرین برجسته کتاب مقدس در سطح جهان مطرح نمود. برنامه روزانه رادیویی او با نام « امروز با درك پرنس» که به 13 زبان من جمله زبان چینی، روسی، عربی و اسپانیایی اجرا می شود بیش از نیمی از جهان را تحت پوشش قرار می دهد.

از بین 40 کتابی که درك پرنس نوشته، برخی از آنها به بیش از 60 زبان مختلف ترجمه شده اند. از سال 1989 به بعد تمرکز ویژه خدمت او بر کشورهای اروپای شرقی و روسیه فعلی (اتحاد جماهیر شوروی سابق) بوده و بیش از يك میلیون جلد از کتابهای او به زبان

فقط خون عیسی

وقتی که ما شخصاً کاری را که خون عیسی مطابق کلام خدا برای ما انجام می دهد اعلام می کنیم بر شیطان غالب می شویم.¹
من به وسیله خون عیسی از دست شریر رهایی یافتم.²
در خون عیسی همه گناهانم آمرزیده شد.³
من به وسیله خون عیسی برای همیشه از تمامی گناهکاران خود پاك میشوم.⁴
من با خون عیسی تیرئه شده، عادل گشته ام، گویی که هرگز گناهی مرتکب نشده ام.⁵
من با خون عیسی تقدیس گشتم، مقدس شدم و برای خدا جدا شده ام.⁶
من با خون عیسی دلیری دارم که به حضور خدا وارد شوم.⁷
خون عیسی در آسمان نزد خدا دائماً برای من شفاعت می کند.⁸

- 1 - مکاشفه 12: 11
- 2 - افسسیان 1: 7
- 3 - اول یوحنا 1: 9
- 4 - اول یوحنا 1: 7
- 5 - رومیان 5: 9
- 6 - عبرانیان 12: 13
- 7 - عبرانیان 10: 19
- 8 - عبرانیان 12: 24

مردم این کشور چاپ و میان آنها پخش شده است. آموزشگاه کتاب مقدس ویدئویی او پایه و اساس دهها آموزشگاه کتاب مقدس است که در این بخش از جهان قرار دارند و در گذشته غیر قابل دسترسی بودند.

مرکز خدماتی درک پرینس از طریق برنامه جهانی خود صدها هزار نسخه کتاب و نوارهای ویدئویی او را بین شبانان و کشیشان بیش از 120 کشور تقسیم کرده اند- افرادی که یا هیچگونه دسترسی به دروس آموزشی نداشتند و یا اینکه امکان خرید نداشتند.

حال با اینکه بیش از 80 سال از عمر درک میگذرد او همچنان سفر میکند و در هر جا که خداوند هدایت کند، خدمت می نماید.

مرکز خدمات بین المللی درک پرینس در شهر شارلوت ایالت کارولینای شمالی قرار دارد که شعبه های آن در استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، هلند، نیوزیلند، سنگاپور، آفریقای جنوبی و انگلستان فعالیت می کنند. توزیع کنندگان وابسته به این مرکز در کشورهای دیگر نیز وجود دارند.

اعلان اعتماد به حفاظت خدا

هر اسلحه ای که به ضدّ من افراشته شود، کاری از پیش نخواهد برد و هر زبانی را که در داوری به ضد من سخن گوید، محکوم می کنم. این میراث من به عنوان خادم خداوند است و عدالت من از جانب توست ای خدای لشکرها. من همه کسانی را که به ضدّ من سخنی می گویند یا دعایی می کنند و یا در صدد آسیب رساندن به من هستند یا مرا طرد کرده اند می بخشم (نام این افراد را در صورتی که آنها را میشناسید، ذکر کنید). حال که آنها را بخشیده ام، برای ایشان در نام خداوند برکت می طلبم.¹

حالا اعلام می کنم که ای خداوند تو و تنها تو خدای من هستی و خدای دیگری غیر از تو وجود ندارد که خدای عادل و نجات دهنده، پدر، پسر و روح القدس هستی و من تو را می پرستم!

ای خداوند، من امروز/ امشب خود را در اطاعت کامل به تو تسلیم می کنم و در این تسلیم از دستورات کلام تو اطاعت می نمایم. من با شریر، همه فشارها، حملات، مکرها و هر آلتی که

73

ممکن است او به ضد من به کاربرد مقاومت می کنم. من تسلیم او نمی شوم! با او مقاومت کرده او را از خودم دور کرده و در نام عیسی او را از خود بیرون می کنم. من به خصوص ضعف، عفونت، درد، التهاب، غده های بدخیم، آلرژی، ویروس² ... و هر نوع جادو و هر نو اضطراب را دور کرده و نمی پذیرم.

در آخر اینکه خداوند از تو متشکرم که توسط قربانی عیسی بر روی صلیب از لعنت گذشته و وارد برکت ابراهیم شده ام که تو او را در همه چیز از جمله شادمانی، سلامتی، فراوانی، خوشبختی، پیروزی، حمایت و دوستی خدا برکت دادی. آمین.

1 - متی 5: 43-45 و رومیان 12:14 را ملاحظه فرمایید.

2 - هر نوع بیماری یا روحی را که احساس می کنید به شما حمله کرده، نام ببرید.